

اختیار دول خارج

موافق خبری که این اوقات رسیده است ممالک فرنگستان
کلاً امن و آرام بود و بهین سبب خندان خبری نبود که خبر
گردیده و در روزنامه دار اخبار نوشته شود و در اینست
آن ممالک این است که کار عسوم خلق به پیش میرود
زراعت کاران مشغول زراعت خود بوده اند و صاحبان
کارخانها و صنعت کاران کارشان به پیشرفت پیش
و همه خلق راضی و شاکر و این امنیت را نعمت بزرگ میدانند
خصوصاً در مملکت فرانسه که در اوقات اغتشاش و آشوب
کم قوه از جمله رعایای بی بصاعت و مزدور و صنعت کاران
که بزودی میوه کار میکردند بجهت خوابیدن کارخانها و از آنرا
که مردمان مشغول و صاحب خواه بجهت انقلاب و اغتشاش
که در زراعت با تجارت یا کارهای دیگر خواه بگذارد لهذا
اشخاص مزدور و بی بصاعت بی کار و بی نان میمانند اگر چه
اکثر اهل رومی زمین در وقت امنیت قدرش را نمیدانند
اما چون که فرانس سخی نامنی را دیده و پنجه اغتشاش چشمه
حلاوت امنیت این ایام بداند آنها شیرین تر می آید و
وقت نظم را بیشتر از سایرین میدانند و مملکت فرانسه
و در اکثر دول فرنگستان در شهرها و قصبه های بزرگ دیوان
صرفخانه بجهت مزدور و شکویده اشخاص کشوده اند که این قسم مردم
اگر پول خبری بخواهند ذخیره بکنند باین صرفخانه های
و منتقم میکنند و قاعدتاً که از بکزار دینار داده ثون اگر بزرگ در یکبار
صرفان قبول نمایند و اگر بیشتر بزرگ قبول نمی کنند زیرا که این صرفخانه
مخصوص مردم کم قوه و مزدور کشوده اند و نمی دانند که از دیوان بید
رفاه حال رعایای این اشخاص است نه و لئمندان و ترقی احوال و اوصاف

اهل فرانسه ازین معلوم شد که موافق حساب که چاپ زده اند
درین چهار پنج ماه پول زیاد باین صرفخانه داده اند و بسیار کم
پس که فزاید قاعده این است که صاحب خواه وقتی که پول خود
پس بخواهد و در وقت پیش یا خبر نماید که درین مدت مجال فکر
درست داشته باشد که پول خود را بیست تلف نکند

پروسیه

درین روز محکم پادشاه این ولایت اجلاس نموده اند که
در خصوص معصرین که در اغتشاش سال چهار سال قبل در فرنگستان
جنگ و باغیگری کرده بودند تحقیق نمایند اهل دیوان در سوال
از آن مجلس که زند اول ایگایا اینها اراده داشتند که بزور و جنگ
دولت را برسم بزنند یا نه و دوم ایگایا منظور داشتند که رعایا
پادشاه را شکر بکنند که سلاح حرب بدست گرفته با قشون
دولت یا با یکدیگر نمایند چنانچه از آنها که تقصیرشان ثابت شده
حکم کردند که شش سال در حبس تنهایی باشند یعنی هر یک در او طایفه
کوچک تنها محبوس باشند و وقت نفرد دیگر که تقصیرشان ثابت
مردم شدند و چونکه در فرنگستان شادی کمی آورند خرج او را
و مخارج دیگر هم درین طوختن خرج این اجلاس و محبوس
آوردن را از معصرین هم گرفته اند

بلژیک

از شهر بروکسل زبای تخت این مملکت بنا بر اخبار روز خوشتر است
ماه صفر نوشته اند که وزیر دول خارج بمشورخانه آمده و با مجلس
مضمون اعلام کرده بود که عهدنامه تجاری ما بین بلژیک و فرانسه
که مدتی در سران بحث و گفتگو شده است در روز بروز کلامی دولت
شهر بروکسل قبول کنند سابقاً بعضی از اجناس بلژیک و فرانسه
سرحد گذشتند داخل خاک فرانسه می شد که زیاد از آنها

۶۴۵

میکردند بطوریکه چندان منفعت بجهت صاحبان املاک نمیکرد
 از جمله از بر مقرر اسبابی که از این ساخته شده خواه این شمس
 با پیرنای دیگر که از این ساخته شده است در مملکت بلقیه از آن
 بعلم می آید و بخارج میفرستند و ذغال سنگی که در مملکت بلش
 فراوان در می آید و با طراف زیاد بفروش می رود اهل مجلس
 سوره شانه ازین گذارش اظهار خورسندی زیاد نمودند زیرا
 میدانند که چند منفعت بولایت بلش میرسد و اینهم معلوم شده است
 که رای امپراطور فرانسه نسبت بدولت فرانسه این بود که بطور
 رفقار کند که ما بین دولتین و امالی ملکین دوستی و دوستی

استحکام باید
 نالویلی

ازین ولایت بسیار پنج ششم ماه صفر نوشته بودند
 که اناسی دولت چند نفر اشخاص شریف را گرفته بودند که
 قصد کشتن پادشاه و برسم زدن دولت راه آشته است
 و کمان داشتند که اشخاصی دیگر هم با آنها هم مصلحت و این
 عمل مخبر بوده باشند
 احوالات مشرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه در باب امیر عبدالقادر
 که از آنوقت که امپراطور فرانسه حکم استخلاص امیر مزبور را
 داده است بسیار ضامندی و امیدواری از رفت و آمد
 و بزرگ منشی امپراطور بابل آن مملکت حاصل شده است اگر چه
 امیر مزبور چند سال در آنجا محبوس ماند و لکن در محبوس شدن
 او دولت لا علاج بودند و آنچه نوشته اند در مدت حبس او عزت و
 حرمت و محبت با او کردند و از بیت بیجا نمودند و لایق شان
 مرتبه او با در رفتار نمودند و یکی از عمارات خوب در آنجا

داشت در و در او قراول نوکرهای دیوان بودند و نظام
 سخت داشتند که بسا از آنجا فرار ناید و لکن قراولها و نوکرها
 دولت را بطوری گذاشته بودند که چندان بنظر نمی آید و
 رفتاری که با او میکردند شباهت برفتار با محبوس داشت
 بلکه مانند هماننداری با او رفتار میکردند و صاحب منصبان
 که مثل آنها محافظت امیر مزبور بود در ولایت فرانسه جدا
 که با آنها رجوع می شد بطوری اقدام میکردند که خود امیر مزبور بجان
 رضامندی از آنها داشت و از دولت خویش کرده بود که بجان
 صاحب منصبان که چند سال با آنها انس گرفته و آشنا
 شده است از مملکت فرانسه بطور هماننداری با او تا شهر
 برود و در وقت رفتن خویش کرده بود که بصاحب منصبان
 مزبور از دولت منصب القات کرده و ترقی برای آنها حاصل
 شود و در همین روزنامه ها نوشته اند که چند خانوار از خویشان
 امیر عبدالقادر نیز خجسته امیر مزبور بودند و خواستند
 که در آنجا توقف نمایند

بعضی ممالک فرنگستان در اکثر سالها غلظت از خودشان
 بعلم می آید کفایت خوراک خلق را نمی کنند و باید از خارج
 در فرنگستان جای غله خیز عمده یکی مصر است و بعضی از غله
 مملکت روس هم از سمت شمالش که بدرمای
 بالتیک بیرون می رود هم از سمت جنوبش که از شهر او در
 بره فراد کثیر بیرون می رود و مملکت و الاکتیه که جزو ممالک عثمانیه
 و درین باب در یکی از روزنامه های فرانسه این منوال نوشته است
 که لنگرگاه اتریش که در کنار رود دانوب بسیار نزدیک آنجا که
 داخل در بای می شود جای بیرون بردن غله سایر اجناس مملکت
 و الاکتیه است و اجناس زیاد از همین بندر بسیار ممالک

۶۶۶

فرنگستان میفرستند و چونکه این اجناس از مملکت و
 بسیار راه رود و توب می آید حمل و نقل اجناس مزبور در
 دولت در دست کشتیهای دولت استریه است که در
 رودخانه نزدیک شهر بوگرت می آیند و درین سال این تجارت
 بسیار زیاد شده است سابقا بجهت اینکه راه در ولایت
 والاکیه ناساخته بودند بیرون آوردن اجناس از ولایت
 مشکل بود این راه را قدری تعمیر کرده اند و بنا دارند در
 بسیار بجهت زرد عرابه و غیره و مهندسان فرانسوی
 آورده اند جهت ساختن راه مزبور در این سال
 بسیاری از کشتیها که از بحر محیط می آیند و سابقا از
 رودخانه که داخل دریا میشود بالایی آمدند از رودخانه
 رفته اند و بارشان را از نزدیک بجای حاصل خیز گرفته
 و سبب بالا آمدن کشتی از آنجا بخلاف سالهای سابق
 اینست که در کنار رودخانه سکونی بسته اند که کشتیهای
 بزرگ بتوانند با آنها بیایند و اجناس مزبور را از عرابه
 بمیان کشتی بگذارند اینطور در اخراجات بسیار فرق میکنند
 از آنرا که اگر اجناسی که بالای عرابه بگذرانند و کنار رود
 می آورند و یکبار در میان کشتی میگذرانند که بحر محیط برده بخارج
 ببرد اخراجات کشتیهای دیگر که سابقا بارها از بالای این
 رودخانه می آوردند و رحمت و مخارج غله و حامل که داده میشود
 همه در کسب تجارت بیاند که نشسته اند از آنکه بیرون آوردن بارها
 کشتی و داخل کشتی دیگر کردن در میان آب خالی از کشتی
 بنا دارند که انبارهای بزرگ هم در کنار همین رودخانه
 که غله را در آنجا خشک نگاه دارند چونکه این مملکت رطوبت زیاد
 دارد و زمین آنجا سوار و پست است بسیاری از غله که

از آنجا می آید بسبب طوبت کم و بیش ضایع میشود مملکت
 والاکیه تجارت دیگر هم دارد بسیار ولایات اطراف
 خصوصاً در پیشم که بشهر قرانستان و مملکت مجاری میفرستند
 در عوض اجناس فرنگستان میگیرند اما تجارت عمده ما
 چنانکه نوشته شد است از غلات است که بحر محیط میبرد و در
 غله اکثرش کز م است و در تمام از آنجا حمل آورده
 میرند نصف حاصل غله این مملکت در اول تابستان در
 کرده و کوبیده شده با نبار میبرد و چونکه غیش حاصل
 اگر دیوان چنانکه اراده دارند در ساختن راهها و انبارها
 و غیره جزئی امداد بخلاق نمایند اینولایت ترقی زیاد خواهد
 کرد از آنکه بندر اینرا بیلکه بالار کشتی بزرگ کار می کند کشتی
 کوچک میرود و اینها هر یکی تخمیناً بروی هم جای دو
 خردار بار میگردانند نزدیک بیاضه فرزند ازین کشتیها
 کوچک و بزرگ است که غله از بالای رودخانه بپایین
 و در عوض آن ملک مملکت سرود میسیرند بعضی هم با شتر
 و پسته پای سخت مملکت استریه میروند اما اگر اجناس که
 با آنجا ببرد پیشم کونفدات از جمله اجناس دیگر غیر از غله که
 از بنولایت بیرون میرود کشت خشک ملک سود است
 و پیه که اخته و پوست کاه و توتون و کوه و روغن و مسکه و
 جنگلی و غیره و در عوض این اجناس که از ولایت والاکیه
 بیرون میفرستند قند و شکر و قهوه و چای داد و تیه الا
 و مال خوازی و غیره است که از خارج باین ولایت می
 آید

تجارت دزدان مملکت ایتالیا و ضعف دیوانیان
 ازین معلوم میشود که در یکی از روزهای آنجا نوشته شد

تجارت دزدان مملکت ایتالیا و ضعف دیوانیان
 ازین معلوم میشود که در یکی از روزهای آنجا نوشته شد

۶۴۷

که یکی از خواجه که خانه اش قدری از شهر دور بود چند نفر از دوستان خود را همگانی کرده بودند و در سفره نشسته طعام بخوردند و عیش میکردند ناگاه دسته از دزدان آن ولایت دو خانه او را گرفته بعد از آن در سفره صاحب خانه و با همه آنها نشستند و نگذاشتند کسی از اهل آن مجلس بیرون برود و مشغول عیش و نوش شدند و بعد از اکل و شرب تمام صاحب خانه گفته بودند که قدری پول بماند لازم است و مقصد گودی که نزدیک پنجاه تومان پول ابرو باشد از او خواسته بودند صاحب خانه گفته بود که من ایقدر پول در خانه موجود دارم بزرگ دزدان گفته بود که چون باید این حالا لغات نمایند که رفع خجست نموده مرخص شویم صاحب شهر پول اجابجا کرده زود مرحت بکنید ما هم با همه آنها ایستادیم در اینجا هستیم تا شما برگردید صاحب خانه از ترس دزدان بشهر رفت و پول را آورد و دزدان پول را گرفتند و با کمال تعارف و عذر خواهی از صاحب خانه و همگان عذر او را دروغ گرفته

پنجاه گشتی هم از دول خارچه که اکثر اهل اسپهان بود با پنجاه آند بودند بارگبری خوب کرده و رفته اند و زنجبک ملک است بنا دارد که گشتی جنگی دیگر از دولت با پنجاه گشته که هم تمام در میان گشتیان که مرجان درمی آورد بگذارد و سه گمرکی که دولت از گشتیها که با پنجاهم ایند میگیرند مطالبه نماید و این گمرک از هزار هری فرانک است که تخمینا دوازده تومان پول ابران با است ملک تاروی چونکه نزدیک نقطه شمالی واقع است جای سرد و لکن سال در اینجا هوزد سه صد است و از شهر گشتی پای تخت آن ولایت نوشته بودند که بتایخ شان زدهم محرم آن ولایت را برف گرفته بود و جزوی بخ نیز در کنار دریا بود و سخت شده بود بطوریکه زراعت موقوف گردید بود

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد با سیصد و هشتاد و یک دروازه و ولایت نطساع شده از اینقرار فروخته میشود

۱۰۰	سوار عالم جل چهارم	۱۰۰
۲۰۰	مجموع البیان شش تومان	۲۰۰
۳۰۰	تفسیر امام عسکری یک تومان	۳۰۰
۴۰۰	چهار تومان و نیم	۴۰۰
۵۰۰	نه هزار و سیار	۵۰۰
۶۰۰	یک تومان	۶۰۰
۷۰۰	شش هزار	۷۰۰
۸۰۰	چهار هزار	۸۰۰
۹۰۰	دو تومان	۹۰۰
۱۰۰۰	هفت هزار	۱۰۰۰

کتابها
 اینجور زمینها مندرجان زیاد از دریا آورده اند صد و پنجاه شش گشتی که چک امسال مشغول در آوردن مرجان بوده اند اکثر این مرجان در ولایت ناپولی بهرین میرد حساب کرده اند که دویت پنجاه هزار تومان پول ابران در همین سال در پنجاه و سه بعضی از صاحبان این گشتیهای کوچک بعد از وضع مخارج خود هر یک هزار و پانصد تومان تا دو هزار تومان مدخل منفعت کرده اند و اکثر این جانها از دریای روبروی پانته در آورده اند و قدری هم از دریای نزدیک باورن در آورده اند تا بحال از دریای آن سمت شهر آوران مرجان دریا آورده بودند غیر از این گشتیها که مال فراوان بوده

۱۲۶۹

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه روز چهارم ماه جمادی الاول مطابق سال سچقان ۱۲۶۹

نمره صد و هشتم

قیمت روزنامه

یک ششده و یک کس

وقایع چهار روزی



منظومه در اخلاص طهران

قیمت اعلانات

یک سطر از چهار خط یک کس

بیشتر سطر پنج کس

اخبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دارا اخلاص طهران

در روز پنجشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت پادشاهی بخت
تفریح و کشت سوار شده ببلطف بالای قعر قاجار و آن
تشریف فرما گردیده در آنجا کشت فرمودند و نزدیک نوبت
افتاب معاودت ببارک سلطانی و منقر سلطنت عظمی فرمودند

نظر بطور رحمت طوکانه در باره نواب استیضاب شاهزاده و ابلا
چشم الامه صاحب مشنار برود و در عربستان و لرستان
و بخشباری درین روزها یک ثوب قبای نظامی میربچگی
اعلی و یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول میربچگی و یک شسته
حایل سرخ و سفید که مخصوص این مرتبه است از جانب پادشاهی
اعلیحضرت پادشاهی باو محبت کرده

مقرب انخافان حاجی علیخان حاجب الامه چون خاطر احوال
همایون را از خود حوزر سندی داشته بود خاصه در سفر شکار
جایز و دک لارند خدمتگذاری را ببل آورده بود یک ثوب
خزق ابره ترمه بطا نه پوست باو خلعت مرحمت فرمودند

عالیجاه محمد تقی خان معاری باشی چون در انجام خدمات دیوانه
و ساختن توپخانه جدید و تعمیرات عمارات و غیره لایزال مسام
نموده و خدمات او مقبول و سخن خاطر ملوکانه افتاد یک
جبه ترمه و دو سربلای رحمت فرمودند

چون مراتب صداقت و لیاقت و حسن کفالت و قاطعیت
مقرب انخافان محمد خان نایب اول اجودان با
در پیشگاه حضور مظهر آقدس شاهنشاهی بدرجه برود و
رسید با اینکه منصب شارایه در درجه سرتیپی بود محض
رحمت از فرار صد و فرمان مهربانان منصب سرتیپی بالاستقلال
باو عنایت و فرج جدید و اکر از لوبسرسکی عالیجاه انخافان
پیر مقرب انخافان مشارایه و سواره نظام لیسر کردگی عالیجاه
امان الله خان برادر او ابوجهج او کردید

عالیجاه نورمحمد خان قاجار درین روزها منصب سرتیپی
گردیده و یک ثوب جبه ترمه در وجه او خلعت مرحمت کرده
عالیجاه بنین العابدین میرانوند که منصب سرتیپی سرافراز کرده
بیطاوشال ابره در وجه او خلعت مرحمت کرده

۶۴۹

عالیجاه عبدالحمید خان اشرفی این اوقات منصب نائب لشکر
باشی سرزوار گردیده بکافه اشغال ابره و یک نفیسی لوک در وجه
مرحمت گردید

عالیجاه موسیو ستیا نوبی که در آذربایجان مشغول طبابت برضیای
افواج و غیره بوده است از فرار که زاسب خطاب شد دولت صاحب
مملکت آذربایجان بجا کپای جاپون عرض داشته بود بسیار استقام
در محاجه و مداوای مریضها نموده است خصوصه در ایام ناخوشی که بسیار
بمحاجه و مداوای اصحاب تافته اندکند اولیای دولت قاهره بسیار
بسیار بخواه تو مان بر سفری سابق او که دولت پنجاه تومان بود افزوده و صد
تومان هم پول دو امرحمت نمودند که همه چهار صد تومان در وجه او قرار
گردید و بکافه اشغال زمره سیر با و خلعت مرحمت گردید

عالیجاه میرزا محمد خان پسر عروج محمد ششم خان دلمونزی چون در
شکارگاه جاجرد و خوب خدمت کرده بود یک شویب چه زرد در وجه او
مرحمت فرمودند

محض مرحمت ملوکانه اعلیحضرت پادشاهی مروزی یک جنبه
تفنگ انگلیسی بسیار ممتاز بعالیجاه مقرب انخافان سامخان ایلیانی
خراسانی مرحمت فرمودند

امور استفتوی
بعد از آنکه برف برخاسته شد همه روزه برسبیل سیرازکیا
از طلوع آفتاب گذشته کل افواج در میدان مشق حاضر شده و ضا
در میان افواج ماه و ساعت مشغول مشق سپاسند و امیرالامرا
اجودان باشی میدان آمده تا دو ساعت در میان افواج قاهرستند
تا ساعت از آفتاب گذشته صاحب منصبان در سه دارالعلوم
آمده تا دو ساعت هم در نزد عالیجاه و کولم مطر انصاحب
بجانب

علم جنگ مشغول میشوند و نزدیک نظر باد طاق نظام آمد به مور
نظامیه مشغول میشوند

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری نبود که در
نوشته شود

دارالمرز

در قسم چنین از نامزدان و کسب ان بیروین بخت اخباری
سنده

فارس

از فرار که در روزنامه فارس نوشته شده بود خود نواب
نصرت الدوله حکمران فارس چنانکه سابقا نوشته شده بود
اولیای دولت قاهره نسبت کریمت رفه اند که امر استخار
کلی به بند و عالیجاه حاجی قوام الملک است نسبت
که اگر در امر استخار ابلی نظمی باشد رفع کند و امر استخار از مرتبت
فقطم و منبسط یابد

دیگر از فرار که نوشته بود این اوقات از میرزا علی اکبر نام که خود را ظاهر در
اسلام قلد کرده و باطناً مرتکب معاصی صغیره و کبیره می شد بعضی اعتقاد
بظاهر روز کرده بود که منافی با اعتقاد است اسلام بود علمای استخار حکم
بازداد و او کرده قرارداد بود که موافق حکم شرع مطاع صحیح اموال او را
مصرف او بیرون آورده بتصرف عیال و اولاد او که مسلم هستند
نواب استخار نیز در نصرت الدوله نیز حکم علماء جاری ختمه اموال او را
از تصرف خود او ممنوع داشته بتصرف عیال و اولاد او بود

از جمله غریب که در گذشت بمی هندوستان در روزنامه موسوم به
شیرازی این عبارت نوشته بود که از تو سجات مواتره احمد باد که
دو نفر مسلمان با احمد او میرفته اند در راه بزنی جوان و همه بخوردند

سنده

۶۵۰

که بواسطه بودن عید نمودن بدیدن پدر خود میرفت است این دو نفر
 و شیفته گردیده و بر اثر اوروان شده اند تا اینکه بخانه پدر خود رفته
 و آنها هم در کار و انسانی منزل کرده و بعد از ساعتی نیز پدر آن
 تمهید همه شیطاط و خصوصیت نموده تا چند روز هر روز بدین منزل
 تا بیک روز آمده اند و در آنی منزل آن شخص را بستند و نیز توقف کردند تا بعد
 ساعتی آن شخص باز آمد جو یا شدند که در کجا بودی گفته بود که در خرم چاه
 که در دخی درین نزدیکی است میرفت من شایع داماد و دختر خود رفته بودم
 آن دو نفر از آن ده و خانه و اماد و ایگر که نام راه رفته حال کجا
 باشند تحقیق نموده و آن شخص همه را بیان کرده بود است بعد از آن
 اسبهای خود را سوار شده و آن زن و شوهر را تعاقب نموده اند
 و بد است که دو سوار از عقب می آید بغیر است در یافته است که همان
 دو نفر تنهایی پیشتر شش گفته است در میان حلقه دار پنهان شوکی
 سواران بقصد نمی آیند تا آن شخص پنهان شده است سواران رسیدند
 و از زن پرسیده اند که شوهرت کجاست گفته است که او پیش رفت و من
 از عقب میروم گفته اند اگر او را این ندی تو را اذیت میکنیم گفته است
 قسم بجناب بر نفسی علی و جانی با هم بخور یک بار اذیت نکنید او را بشما
 بیستم آنها هم بهین عبارت قسم یاد کرده اند بعد از آنکه شوهرش
 هر دو بشیر با جلا آورده اند و یکی بیاه شده و سر شوهر را از تن جدا کرده
 وزن را بر کف ریش خود نشانده روانه شدند اند از فراتر بر آن صفت
 که میگفت است از ترس دم نمیزوم اما طبعی آن بزرگواران بودم ناگاه
 دو نفر پیش پیدایش شوهر یک علی در دست داشتند و آن دو سوار
 نسیب داده از اسبها بر کشیدند و برد خچی که در آنجا بود او بختند
 کیفیت احوال این پرسیدند تفصیل مذکور عرض کردم فرمودند غم نخور و شوهر
 خود را با نشان بدسرا راه آنها رفتم و جد شوهر خود را نشان دادم بدست
 سبک سر برشته و با آب دهن مبارک تر کرده بدن او گذاشتند و فرمودند

تم با آن العفی الغفور شوم بر هیچ و صلح سالم برخواست هیچ آثار زخمی
 در او نمانده من و شوهرم هر دو کلا طیبته شهادت بر زبان جاری
 کردیم مسلمان شدیم و بعد از مسلمان شدن آن دو بزرگوار از نظر ما
 غایب شدند و یقین داریم که آن دو بزرگوار جناب بر نفسی علی و امام حسین
 بودند که بغیر ما رسیده با بچه مردم سخت آنها را بجهت بر یک
 پاره کرده و برده اند و آن دو نفر سپاهی بهمان قسم هنوز از دست
 او نیخندند و بعد مشتاد کس که این کیفیت را دیده باشند
 بوده اند بشرف اسلام شرف شده اند مردم جو جو بجا
 آن کشته زنده شده است می آید و زیارت می کنند با سبک

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود از تفصیل
 خداوندی این اوقات نمای الهی از هر سبیل در آنجا کمال روز
 وارد و هر روز از هر سمت تخمیناً هزار بار بیخ و روغن و
 کدم وجود داخل شهر میشود و از قراریکه نوشته بودند تا او از
 شهر ربیع الثانی بگذرند برف با آنجا آمده بعد از آن هوا سرد
 و در آنجا لها چهار بیخ و صد بیخ انداخته اند بعد از هفت روز
 هوا ملایم شده کم کم گرم شده بجزیکه مردم در آفتاب
 نمیتوانستند بنشینند و از اتهامات اولیای دولت علی
 انخدود و هم کمال نظم را وارد

و نیز از قراریکه نوشته بودند که نذل خان با جمعی از
 قشون کشید بستان فراه و سبز آمده که غلبت طرف
 هرات را داشته است

چنانچه سبب خان پسر محمد حسن خان زیدی این روزها با سواران
 آمده بودند چهار بنشینان از قشون سبکین که در آنجا کرده و دست
 زنده از آنها سبک کرده و سر را با بر تابون کرده بود

۶۵۱

کرمان

از فرار یک در روزنامه نوشته بود صفحات کرمان قرین امن و امان است و امیر الامراء العظام مقرب امخافان محمد خان سردار حکمران بزرگ کرمان در انتظام امور ولایت و آسودگی رعیت که با برزید دعا کوفی دوام دولت علیست چه مراقبت کامل دارد و منازل عرض راه را بحفظ و حرمت تعقیب آن منظم و مضبوط داشته است و کاروانسرای منازل کرمان را آباد و مجهز ساخته که برای سردارین عابرین کمال آسودگی حاصل است

کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند امر آنجا از اتهامات اولیای دولت علیه منظم و مضبوط است و دولت عماد الدوله زمانی که عزیمت سرحدات کرمانشاهان داشته است بجهت انتظام شهر فرار داده اند که سرانجام و تندی جمعی عالیجا مهدیخان سرمنک ساعت از شب گذشته الی طلوع صبح بیاسس شهر اقدام نمایند و ازین سبب نیات اینست از برای امانی شهر حاصل است چنانچه خود صاحب مصلحتان فرج هر شب مشغول محافظت و حراست میباشند و اگر شبها در خانهای مردم بازار است و اینچنانچه دزدی میشود

دیگر نوشته بودند که شخصی سنقری پیش از اذان صبح از خانه بیرون آمده بوده است در راه گرفتار باد میسر شده و بجاده منجر گردیده آن شخص سنقری سنکی پشایی غسسه و مجروح کرده بود مراتب باروغه رسیده آن شخص سنقری گرفته مجوس کرده و بعد از دو سه روز دیگر مرخص نموده بود و بجایه دیگر آن غسس بنا خوشی دیگر فوت شده داروغه سنقری با شتاب تمام نموده بهر علای شهر و سایر مردم قسم

مجرم کرده بوده اند که شخص سنقری یک نفر غسس را قبل ازین زوده و حال برده است مراتب بنایب الایالات عرض میکنند غلامی در سنه آن سنقری را آورده اند که خود تحقیقت رسیده بعد از تحقیق معلوم شده است که داروغه دروغ میگفته است شش روز در داروغه را هزار چوب زوده از شهر اخراج کرده است

بکمال قبل ازین حاجی محمد علی کلید دار از دار انخلاف طهران روانه عیالات عالیات بوده است در روز دیکر انشاء آن در خانه جناب آقا محمد صالح منزل نموده بوده است بعضی از جمله یک شده مرورید و ششاد تومان نقد و بعضی از بیابا دیکر در صندوق خود داشته است و چند نفر نیز از هم در خانه آقا محمد صالح بست نشسته بوده اند منگامی که بر حاجی محمد علی آن سبب را در میان صندوق میکند داشته است یکی از آن سربازان نگاه کرده دیده بود خود را بان سبب رسانده هر وقت نموده بوده حاجی مشار را بعد از آن و تجسس بسیار را بوسیله کرده و روانه عیالات عالیات شده است درین روزها شخصی از اول نگاه کرد داشته است که شده مرورید در نگاه در شخصی بیهودی میفرز جنت من حذیرم همان ساعت جناب آقا محمد صالح آدم بکنگاور فرستاده آن شخص بیهودی را بان فرستاده آورده احوال را تمام کرده و ساریق را حاکم کرده و در بازار گردانده اند و حال بدین سبب

تعبیر اجناس و انخلاف طهران

کندم ساو جلدی بیت و کبکوار و پانصد
 کندم غریب و شهرای بیت و کبکوار
 کندم در این پانزده هزار

۶۵۲

۱۷۰۰	خزما چارمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	برنج غیره چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۰۱	کشک چارمن دو هزار	۱۷۰۱	برنج کرده چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۰۲	روغ چارمن یک من هفت عباسی	۱۷۰۲	روغن چارمن یک تومان و ده
۱۷۰۳	تنباکوی اعلی یکمن چهار هزار	۱۷۰۳	نمان یکخوار و دو تومان و ده پول
۱۷۰۴	تنباکوی وسط یکمن سه هزار	۱۷۰۴	گوشت یکمن شش عباسی
۱۷۰۵	ماست چارمن یک هزار و ده پول	۱۷۰۵	شش یکمن یک هزار و نهصد
۱۷۰۶	پنیر شور چارمن چهار هزار و پانصد	۱۷۰۶	جو یکخوار دوازده هزار
۱۷۰۷	آبغره یکمن نه شای	۱۷۰۷	کاه یکخوار چهار هزار و ده
۱۷۰۸	سرکه یکمن هفت شای	۱۷۰۸	پونج خشک یکخوار هفت هزار و ده
۱۷۰۹	قداری یکمن شش هزار و پانصد	۱۷۰۹	باطلا یکخوار دو تومان
۱۷۱۰	قدیزی یکمن چهار هزار	۱۷۱۰	لوبیا یکخوار سه تومان و دو هزار و پانصد
۱۷۱۱	بنات یکمن سه هزار و ده شای	۱۷۱۱	ماش یکخوار دو تومان و هفت هزار
۱۷۱۲	شکر یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۱۲	عدس یکخوار سه تومان
۱۷۱۳	بن یکمن نوزده هزار	۱۷۱۳	خلر یکخوار پانزده هزار
۱۷۱۴	سیبک یکمن چهار هزار	۱۷۱۴	ارزن یکخوار دوازده هزار و پانصد
۱۷۱۵	قفل یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۱۵	سنگینک یکخوار پانزده هزار
۱۷۱۶	دارچین یکمن یک تومان	۱۷۱۶	کنک یکخوار پنج هزار
۱۷۱۷	زیره یکمن دو هزار	۱۷۱۷	گرچک یکخوار چهار تومان
۱۷۱۸	زعفران یکچارک سیزده هزار	۱۷۱۸	سجود قوی یکخوار پنج تومان و نیم
۱۷۱۹	رز شک بهشتا یکمن دو هزار	۱۷۱۹	سجود رسی یکخوار سه تومان
۱۷۲۰	رز شک تبریزی یکمن سه هزار	۱۷۲۰	همه یکخوار یک تومان
۱۷۲۱	آب لیمو یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۲۱	ذغال یکخوار هجده هزار و پانصد
۱۷۲۲	لمبوی عمانی یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۲۲	مرغ قطعه سه عباسی
۱۷۲۳	سکنجین یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۲۳	سجود مرغ نیمه یک عباسی
۱۷۲۴	حلوبات یکمن چهار هزار	۱۷۲۴	سبزه چارمن شش عباسی

احبار دول خارج

انگلیس تاریخ روزنامه‌هایی که درین روزها ازین دولت رسید جمعیت ششم رجب الاول بود و زرای تازه که ماموریت آنها درین روزنامه نوشته شده بود هر یک در کار خود برقرار شده اند و امور دولتی بطور خوب و نظم تمام راه پیشرفت و موافق حساب خرج دیوانی سه ماه گذشته که قاعده این ولایت است که سه ماهه چنانچه معلوم می‌شود که اوضاع خلق بسیار بطور خوب بوده است و کار در این ولایت در عیال که مذهب بود که سبب آوردن غلّه از خارج غلّه آنها خوب بیرون رفتن ازین محاسبات و وصول با معلوم می‌شود که چندان جای گلّه نداشته اند و امور تجارت و صنعت کاران هم بطور خوب راه پیشرفت و در دو ماه سال گذشته احوال اکثر عیالی انگلیس رو برتری بوده است

فرانس

کامه آخر که از پارسیس پای تخت این ولایت رسید ششم رجب الاول بود و اول سال عیسوی که موافق قاعده فرانس ششم رجب الاول بود و ایچیان کلّ دول مستحاجه که در این روزها بسیار کبابی سال نو حضور امپراطور فرانس فرستاد ایچیی با پای رومه که پیشوای ملت کتولیک عیسوی پیش رفته با امپراطور فرانس مبارکباد گفت و گفت که خداوند عالم امپراطور فرانس را محافظت نماید که باعث امانت و صلح فرنگستان گردیده است بعد از آن ایچیان دیگر یکبار پیش آمده و از جانب دول خودشان با امپراطور فرانس مبارکبادی سال نور گفتند و آنها که در آن روز آنجا بودند شکوه در خانه و آن ایچیان و سایر دول فرانس حضور امپراطور از ایام سابق

۶۵۴

نظرس بسیار بیشتر دیدند و سبب نظم در خانه که سابق معشوس بود و حالاً منظم است برقرار شدن امپراطور فرانس و شب از روز امپراطور فرانس ایچیان منبور را کلاً با کوچ آنها و بعضی از ایچیان دولت فرانس ضیافت نمودند

کلفت

در روز چهارشنبه بیت و چهارم رجب الاول موسی بوده ایچیی مخصوص و وزیر مختار از جانب امپراطور فرانس نیز امپراطور فرانس حضور امپراطور فرانس رفته و اعتماد نامه خود را که تازه از دول روسیه باور رسیده بود خدمت امپراطور فرانس داد و زرای مختار از جانب دول در تبریز و تبریه و کتولیک و همبور و لندن و سقزایه و سکی دنیای شمالی و برودر و استریت و شهرهای هینس که اعتماد نامه تازه از دول خودشان با آنها رسیده بود که بابت خدمت امپراطور فرانس بنده در آن روزها بنا بود که بحضور امپراطور فرانس

در روزهای سابق نوشته شده بود که امپراطور فرانس بسیاری از مقصرین را که در محبوس خانه دولی تخمس بود از تقصیرشان گذشته و عفو فرموده است در آنوقت مقصد و نظر ازین مقصرین را بخشیده بود و بعد از آن باز با نصدوسی نفر را با از تقصیرشان با بده گذشته و عفو فرموده است و عرض نموده با تقصیر که با آنها حکم شده بود که تمرد است شخصی در مملکت فرانس کتابی نوشته است در باب سرحدات مملکت فرانس و کویا درین کتاب سرحد فرانس را زیاد کرده است موافق او عانی که در بعضی ایام آن دولت اهل آن دولت داشته اند در روزنامه دولتی فرانس که مانی تورینا است در خصوص این کتاب نوشته است که دولت هرگز چنین خیالی

نزارند و کتاب نویس خود حسن بن چیزی نوشته است
و دولت بلامد چنین ادعا را انکار میکند و خلاف را
امپراطور است چنانکه امپراطور بکرات اشکارا زبانی گفته است
استریه

تاریخ روزنامه آخر که ازین مملکت رسیده است از پاریس
وینتر روز چهارشنبه هفتم ربیع الاول بود و میگوید
که پادشاه پروسیه بنا داشت که با پنجا بیاز وید
استریه بیاید و در آخر ماه ربیع الاول قرار بوده است
وارد وینتر بشود

از قرار روزنامه این ولایت معلوم میشود که اگر چه امپراطور
چند سال است که سلطنت میکند هنوز تاج سلطنت
نگذاشته است از آنجهت که خبر داده اند که چهل یا پنجاه روز
بعد از عید نوروز سال آینده قرار است که تاج بپوشد
جلوس نماید چون دولت استریه چند ممالک است که سابقا
هر یک پادشاه جداگانه داشتند پیش ازین قاعده بود که
استریه در هر یک ازین ممالک علیحدگی جلوس می نمود حال
بنا که داشته اند که جلوس سلطنت کل ممالک استریه را
در یکجا نماید

ناپولی

لوسیئین مورات وارث رؤسای مورات که یکی از سرداران
مشهور ناپلیان و مدتی پادشاه ناپولی بود درین روزنامه
غریب از پادشاه ناپولی نموده است که با هفتیکه مورات
از پادشاه ناپولی گریخته و از تاج و تخت آن ولایت گریخته
سبب از جواهرات و اسباب قیمت دار او در شهر ناپولی
در ولایت مانده بود و پادشاه ناپولی که از اولاد پادشاه

قدیم آن ولایت بود و باز آمده در سلطنت خود ممکن گردید
صاحب این جواهرات و اموال شده هر را ضبط کرد و
این پادشاه ناپولی که بحال در آنجا سلطنت میکند و
اوست حال لوسیئین مورات ادعا میکند که جواهرات
و اموال بزور حق اوست و باید باور دیشود با انتفاع پول
از آن ایام تا بحال و این مال بیشتر از دو کرو و دو سینه
تومان پول بران می شود حال در روزنامه نوشته اند که پادشاه
ناپولی قبول کرده است که اصل این مال را بدید و لکن عیوض
سخواه داد و جواب این تکلیف فوراً از دولت فرانسه

نیاید است

یکلی و نیای شمالی

لنگونی که مابین دولت است پاریس این دولت بود
در باب جزیره کوئ به طور اصلاح و دوستی و مودت گذشته است
و از زمان دولت مسکی و نیانوشته اند که دولت فرانسه
با دولت مسکی که سرحد دول یکی و نیای شمالی جنگ
داشتند و لکن تقصیر این جنگ فوراً با شرمین روزنامه
رسیده است

احوال استمفرقه

در روزنامه اسلابول نوشته اند که چونکه هوای پائین نیا
خوش گذشت منفعت زیاد بجهت زراعت کاران حاصل
و از هر طرف ممالک عثمانیه نوشته اند که غله پائیزه در اکثر
جایها زیاد کاشته شده بود و جان قدر بارندگی شد
که بجهت کشت غله پائیز لازم بود حساب کرده اند که یک
مشت ارسالهای گذشته بیشتر غله کاشته شده است
خصوصاً در ولایت روم ایلی که جای غله خیز است و از همه جای

زودیکتر است چهل روز از پانزیرفته هوا خشک بوده است
 و نتوانسته بودند تخم زیاد بکارند اما از آنوقت تا اول
 رستان بارانهای مناسب بوقوع آمد و زارعین از کدوم
 پانزیر تخم زیاد کاشتند
 امیر عبد القادر که از مملکت فرانس روانه شده بود که ببرد
 برود و در آنجا توقف نماید همراه نوکران و کسان خود
 با سلامبول وارد شده بود و بتاریخ نیکه ششم
 ربیع الثانی سعیر کبیر و نسبه مقیم سلامبول را وداع کرد
 و کشتی سوار شده روانه شهر برد که دید در اسکرا
 کجلیک از کشتی سرون می آید و از آنجا بشهر برود
 خواهد رفت و در کجلیک سپها و کالک و عراچه
 غیره و هر چه بجهت امیر عبد القادر لازم بود حسب احکام ایچی
 و آنست حاضر کرده بودند و موسیویکو لائی مترجم سفارت
 بسرا امیر عبد القادر روانه شد که از سلامبول شهر
 برود و در راه همراه امیر مزبور باشد که آنچه
 لازمند مدارک و معانداریت بعل بیان آورد
 عالیجاه قولونل لیمینس با مورد دولت انگلیس که مدتی در سرحدات
 دولتین ایران و عثمانی با ما مورد دولت روسین با اتفاق ناموس
 ده ستین اسلام مستول ملاحظه حقاً سرحد بود چندین شتران
 را اس حدود با سلامبول رفت بچو یک در روزنامه سلامبول
 نوشته بودند عالیجاه مشا را لیه با عظامی یک قطعه نشان
 اعلی از جانب دولت انگلیس از مرزیم که بزبان انگلیس
 نبش میسانند معترض شده است در از ای رضحالی که چند
 در سرحدات مزبور کشیده است
 عالی پاشا که سابقاً وزیر اعظم دولت عثمانیه بود درین روزها

۶۵۶

حاکم شهر اصریر شده است

پادشاه بواسطه در روز دوشنبه پانزدهم ربیع الاول از
 پای تخت خود روانه شده بود که بولایت الطالیاب رود و بشهر رود
 که در اعیان آن ایام در نزد اقوام خود باشد و در حکام سفر خود
 بجهت گذراندن امور دولتی تسلط عام بوزرای خود داده و آنها را

مستقل گردید است

در روزنامه سلامبول که سابقاً رسید بود در خصوص دسته از دروزان که در
 بشهر اصریر زدوی و بی بی بگردند مکرر نوشته اند و درین روزنامه
 چاپ شده است بزرگ این دسته دزدان لغزش نیکی فاطرحی است
 چاکران دیوانی در سلامبول بسیار بی این دروزان شدند و در
 این روزنامه نوشته اند که نیکی فاطرحی از اصریر کرخچه و دیگری از خرابر کوه
 یونان که داخل خاک یونان است توقف کرده است بسیار کله از
 نوکران دیوان که در آن جزیره هستند نوشته اند که دزد مزبور اجرا با
 راه داده اند با وجود اینکه بی لبط آمده بود سهیل است که کاغذ از کرا
 داشت که از آنجا که نوشته بایانه و حال اینکه چنین اشخاص را
 بی تحقیق داخل خاک یونان کردن خلاف قانون ایشان است
 و دزد مزبور با دو نفر از هم دسته خودش که آنها نیز در همان کشتی
 رفته اند در آن جزیره اشکار میکردند و کویا مال مردم را که دزدیده
 همراه خود بسیار با آنجا برده اند و روزنامه نویسنده هم ضرب حساب
 کشتی را میگیرد که داشته و همیشه دزد مشهور دولت را در کشتی گذاشته
 و از آنجا که یزاند است و هم ضرب حاکم و چاکران دیوانی
 جزیره مزبور را میگیرد که چنین اشخاص را بدون تحقیق
 ولایت خوزستان داده اند و در آنجا اشکار میکند

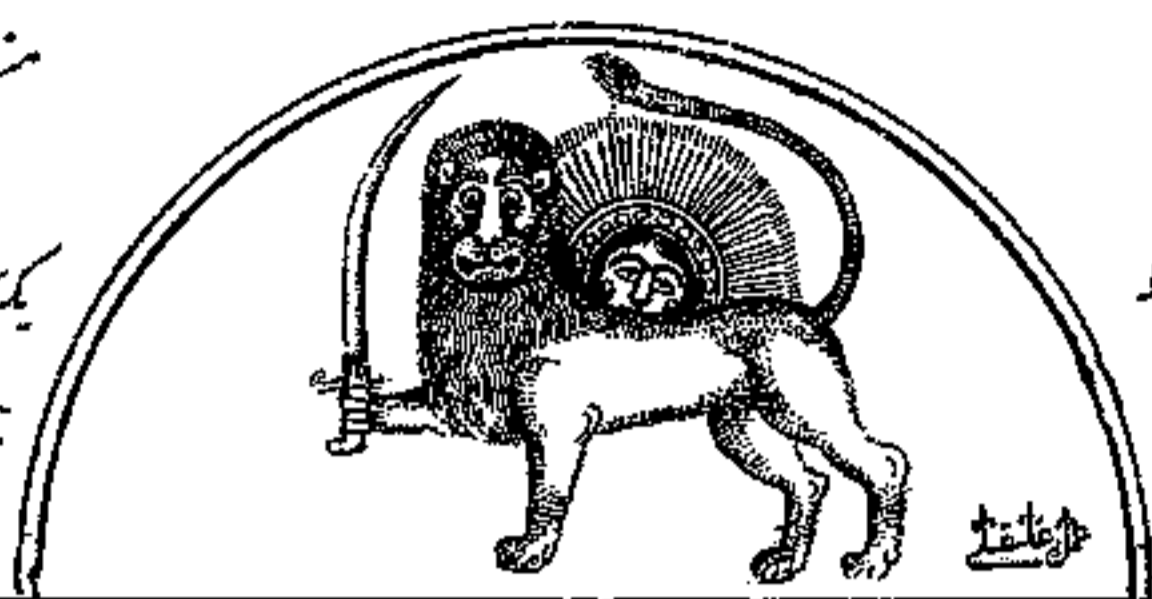
روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز شنبه بیست و دوم ماه جمادی الاول مطابق سال سیچان ۱۲۶۴

مژده صد و نهم

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی

دو تومان و چهار برز



منظومه در اخلاص طرانت

قیمت اعلامات

یک سطر ایچا سطر یکصد و پنجاه

بیشتر با سطر پنجاه

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در هفته گذشته اعلیحضرت پادشاهی دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته نوار شدند اول بانبار توپخانه مبارکه که تازه ساخته اند تشریف برده اخبار را ملاحظه فرمودند و بعد از آن میدان مشق افواج قاهره تشریف فرما گردیده اول افواج جدید را ملاحظه فرمودند بعد بیان افواجی که مشق حرکت میکردند تشریف آورده تماشای مشق حرکت آنها را نمودند و مشق حرکت آنها بسیار سخن خاطر طوکانه افتاده و چهار ساعت از روز گذشته معاودت با یک سلطانی فرمودند

که اگر حکمی از جانب دیوان اوقیسیل فرستادن قسطاً بایست و قشون یا سایر جهام بشود اولیای دولت علیه حکم آنرا با چاپار خوانند فرستاد و جلیقه آنرا حکم باید جواب اولیای دولت علیه را بنویسد که فلان حکم را فلان چاپار در فلان تاریخ رساند و این حکمی که مقرر شده بود تا فلان روز انجام داده خواهد شد یا با الفرض شخصی از دست کسی با اولیای دولت علیه عارض شد بر طبق عرض اد حکم از دیوان صادر گشت که حاکم آن ولایت امر انجام دهد یا مدعی او را تنبیه کند یا فلان قاتل و مقصر را بگیرد بفرستد اولیای دولت علیه حکم آنرا بدست خود آن شخص عارض خواهد شد

چون رفاه و آسایش کاغذ عباد و عامه کین ابرار و بلاد همواره منظر نظر اعلیحضرت پادشاهی است و از فرار یک بعض خاکبایان همایون رسید از ناموریت محصلین حکام جزو رعیت و لایات ممالک محروسه آزار و اذیت میرسد و اخراجات محصلین حسب ریشانی رعایا میکند و لهذا امر مقرر فرمودند که کلیه ناموریت محصل خواه از دربار همایون بممالک محروسه و خواه از حکام ممالک محروسه بولایات ابواب جمع خود موقوف و متروک باشد و این باب حسب امر همایون بهر یک از حکام احکام صادر شد این قسم

بعد از رسیدن حکم بحاکم اگر عارض عرض خلاف نموده حکم صادر کرده حکم با چاپار بگردد می آید با اولیای دولت علیه نوشته معلوم دارد که فلان حکم را در فلان وقت فلان شخص آورد و رساند باین وسیله آن شخص عرض خلاف کرده است تا بعد از اولیای دولت علیه بهر سخن حکم نافی صادر شد از آنقرار معمول دارد و اگر آن شخص در عرض خود صادق بوده است حاکم ولایت باید مدعی علیه او را حاضر کرده حکمی که از دیوان اعلی داده شده است انجام داده نوشته از آن شخص که حکم از دیوان اعلی صادر کرده است گرفته با چاپار

۶۵۷

خدمت اولیای دولت علیه نفرستند و اگر مدعی علیه آن شخص حاضر نبوده است
 حکم را اجرا بر در مرتب با اولیای دولت علیه بنویسد که مدعی علیه فلان
 شخص بود فلان وقت خواهد آمد و این حکم فلان وقت تجویز خواهد شد یا اگر شخصی
 باشد تا فلان وقت طرفین را بدین کار بیاورند و اگر هر یک از حکام از
 قرار یکدیگر اولیای دولت قاهره نوشته است که باید در صورتی که حاصل میسر شود
 در ازای این تخلف و اطاعت نماید تا آنکه هر یک در بیاد و حکام کل هم از این
 با حکام عمال و ضابطه خبر و باید رسید و در صورت تخلف حکم یا نصدق نماید
 از خود حاکم و ضابطه خبر بگیرند و هیچ وجه معترض عین نشوند و اگر چنانچه
 آنکه حاضر حکم از اولیای دولت علیه صادر کرده بر حاکم ولایت بغرض نفسانی
 خلاف عرض حاضر را با اولیای دولت علیه نوشت در آن وقت جریمه نبوده است
 بالمصاعف گرفته خواهد شد

چون درون ممالک و سرحدات دولت تفرقه در سایه رحمت یا علیحضرت پادشاهی
 تعالی در کمال این نظام است سپاهی و عینت کلی رسیده و دیگر مشغول کار
 مختص خود بینا هستند ای جهان روی عیون قضای آن فرموده که در بسیار
 که بعد از ساله اوان حرکت مرکب یون از نظر غرض است چنانچه
 بنا به لطافت هوا و فراوانی آن در وقت سبک آن آنجا نسبت به فایده که محل سلاطین
 و تفرقه مرکب پادشاهی قرار بدیند و تا او آخر مبارکه فصل طراوت و نظافت
 چمن میزور است در آنجا افانت رسم درین ضمن رسید و تا شانی هم مشغول بعضی
 افواج احضاری که با سبب یون فرموده با و بعد از انقضای موسم لطافت و
 پاکیزگی چمن میزور و بعضی افواج حاضرین را نیزین کار طریقین بهر یک از بیانات
 در اختلاف که مناسب با سعادت و بقیه فصل سلاطین را در انصاف افانت رسیده
 است که از نوجبات ای حدس موانع و اتهامات اولیای دولت جا و بیاید درین
 جانب سلاطین و زمان کردن و تفرقه مرکب یون از میان ذات کثیر ابرکات افسان
 برای عموم عیال و برابا و گاه طرفین کار مستطاب یا خوبش بگذرد و این طریق
 زیاد بر سابق نباشد و از آنجا که اینست کل سرحدات نشینان میسر طور نظر جانین است

لکن فرامین نکرده مبارکه بعد از حکام سرحدات شرف صدی وقت که در حفظ امنیت
 انظام سرحدات و منجیلات و غیره درین نظامی و تعدی و تطاول یکدیگر که
 از طبیعت طایفات ناشی شود نریزی و موافقت بعمل آورده که از آنکه بقدر ذره حساب
 از آنها نماند و بر روزنامه و مجله بعد از حکام سرحدات مفرقه که رسم اتحاد و یکپارگی درین
 عینتین سلامتین ایران و عثمانی را که بر کمال است بسبب کل امالی الاملاجات
 خواص عوام برساند و کمون خاطر جانین علیحضرت پادشاهی که مشغول بودت
 این دولت است که با سبب کس کسوف دارند پناه الله تعالی بدارا که منت و انانت
 لوکاز و اتهام اولیای دولت علیه محض از راه عدالت و عینت پوری و مردم را
 تعلق برناه رسودگی مردم گرفته با کسب اجرت و بااری آن نخواهد بود که بقدر
 خلاف و انحراف نماند و بحکم الله تعالی این همه فرموده جانین بعد از آن
 رفاه مقرون است و پناه الله تعالی الی الابد خواهد بود و تخصیص مختصر افواج حاضر کار
 جانین و دیگر که مشغول میشوند از آن حضری از کار جانین بجانهای خود جان

خواهند که در این قرار است

تعیین و بار و غیره امر را گویند

اقبال	دور	دور	دور	دور
دور	دور	دور	دور	دور

ایلات	ایلات	ایلات	ایلات	ایلات
ایلات	ایلات	ایلات	ایلات	ایلات

فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول
فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول
فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول
فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول
فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول	فوج اول

دو دولت علیه اسلامیه در عهد سلاطین انارالد بر اینست موقوف
 عهد دوستی و یکنهتی چیده و اینست که هر دو دولت در عهد سلاطین
 شده که با واسطه آن بوده که سفیریک فطرت از جاپن در پای تخت هر یک از
 دولتین اقامت و امنی نه داشته است که بعد از استحکام دوستی که شد
 از محاسن فواید اتفاق دو دولت اسلامیه پیش شد جناب کفایت یاب
 احمد و فقی احمدی که پیش کبیر بخار دولت علیه عثمانی که اسحق باوصاف یکی
 حسن سیرت توصیف و تعظیم دربار دولت علیه ایران است از نظر رقابت
 و عقل و کفایت ایشان بسیار امیدوار میتوان بود که نشاء الله تعالی آنها
 فائز بر اسم اتحادین و دو دولت بیوای چنانکه در روزیکشنبه یازده
 شهریور سالانی که ملاقات با جناب جلالت آید عظم در دولت خانیان
 نمودند بعد از رفتن ایشان جناب عظم الیه اظهار رضامندی از نظر رقابت
 جناب ایچی کبیر میفرمودند

در روز دوشنبه نوزدهم ماه جمادی الاول جناب جلالت با فواید
 شریف ایچی مخصوص وزیر بخار از جانب دولت انگلیس از دارالخلافه طهران
 روانه ولایت انگلیس شده و عالیجاه بند جابگاه طائسین صاحب درگاه
 بمنصب ریختی دیگر از جانب دولت به اتفاق نمود
 مغرب الخاقان وزیر نظام در روز شنبه نهمین ماه از آذربایجان
 وارد دارالخلافه شدند و در روز وروجسج سرکردگان قشون ازین بخار
 و تیرپان و جسرنگان و صاحب مضبان باستقبال فتنه در و در
 بیت و یکم اهل حضرت پادشاهی محض ظهور حجت طوکانیکوب جبهه زنده آمد
 با در حجت نمودند و معترف نمودند که زیاده از باز کرده روز در دربار
 نماند و بجهت انتظام امر قشون با در پانچان جمعیت نمایند
 چون مغرب الخاقان ملک الکتاب الهاد در مکه داری دولت علیه انارالد
 خود را ظاهر آشکار ساخته بود این اوقات مراتب صداقت و حسن نیت
 مغرب الخاقان بسیار الیه در مکه حضور تایید پیش از پیش معلوم مشهور گردید

مستوجب شمول عنایت خود یوانه آمدند امحض رحمت یکثوب جبهه
 اعلی بسم خلعت با و حجت فرمودند که موجب مزید اعتبار او بوده
 با صدق عقیدت شمول خدمت با
 محض التفات طوکانه در باره عالیجاه علی بن علی خان یک ثوب جبهه
 در وجه عالیجاه بشار الیه خلعت رحمت کرد
 عالیجاه نیز صاحب معلم سواره نظام که پانصد نفر سواره نظام را هر روز در
 مشق میداد و در حجب از عهد تعلیم آنها را از چنانچه قبل از حرکت بود که تا برون بخار
 با جوده اهل حضرت پادشاهی میدان مشق آنها شرف فرما کرده و در حضور تایید
 مشق نمودند و حرکات آنها مقبول و حسن خاطر طوکانه افتاده دولت تومان
 انعام بانها حجت فرمودند و عالیجاه بشار الیه بعد از فرغت از مشق آنها بر روز
 بدر رسد دارالخلافه آمد از روی کتاب مضبان و چند نفر شکر دان در تعلیم
 مشق سواری بنام

احوال است متفرقه
 در جزیره مدیره از فرار که نوشته بودند آذوقه بسیار کم با
 شده است اهل شهر فله لقیه نیکی دنیای شمالی از راه احسان نفقا
 پول جمع کرده و آذوقه بآن شهر فرستاده اند که در میان
 تقسیم شود و در جزایر کناری که آنهم در بحر محیط اطلتیک واقع
 با زندگی نشد است و بجهت آب بسیار تشکی می کشند و در
 و چاهها خشک و زراعت مسم از بی آبی بسیار خراب شده است
 در فرنگستان خصوص در شهرهای دینیه پای تخت است
 و پاریس پای تخت فرانسه و لندن پای تخت انگلیس سلسله
 از تجار بزرگ از ملت موسوی نکلن دارند که نام آنها در شهر
 میباشد و در اکثر شهرهای فرنگستان و سایر جایهای روی
 عامل و کارگردار دارند و معاملات آنها بیشتر با دیوان است

۶۵۹

درین روزها در روزنامه نوشته اند که آنها که در فرنگ فرست
و پیشه و ناپولی می نشینند دوباره شریک شده اند و
شرکت را بوجه سال نوشته اند

از جزیره چیک که یکی از جزایر هند غربی است که خط استوا بر
بیامد نوشته اند که درین روزها باران زیاد آمده و ضرر
جزیره مزبور زده است و از مملکت بریویشیر نو که درینکی دنیا
جنوبی می باشد نیز نوشته اند که باران زیاد آمده بود و ضرر
حاصل رسانیده بود خصوصاً حاصل قهوه

در جزیره مینت که در بحر هند می باشد زلزله سخت شده بود
و بسیار خرابی بشهر جزیره مزبور از قراریکه در روزنامه نوشته
رسانده بود

در مملکت آستر به توجیه زیاد در سر توئون گذاشته اند از آنجمله
بعضی علفهای دیگر بجای توئون می کشند یا به توئون مخلوط نموده
می کشند و یوان هم فرار داده اند که هر قسم علف که بجای
توئون می کشند همان توجیه توئون را داشته باشد

در مملکت فرانسه بنا دارند که پول سیاه را کلاً از تو
نمانند و چونکه زدن این پول در مملکت انگلیس خجسته است
که در فرانسه زده می شود پس یکی از تجار انگلیس که کارخانه
در شهر بریتنیک هم دارد معامله کرده و عهد بسته اند که این
پول سیاه را کلاً اوسگوک نموده و بدولت فرانسه تحویل
دهند

یکی از خوانین قدیم فرانسه کتوبات تاریخی سینک را که
از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه است در میان خلق
منتشر میکرد و مضمون کاغذها این بود که خلق را از قبول کردن پولی

نایبایان با سپه اطوری مملکت فرانسه مخالفت کرده بودند
تا ج و سخت مملکت فرانسه را حق خود شناسید است اینانی
دیوان ادر اگر فرستند و چونکه تقصیر شناسایت شده یکماه
در حبس نگاه داشتند و پانصد فرانک که نزد یک بیخانه
تومان پول ایران بسیار از او جریده گرفته

کشتیها که از مملکت سینکی دنیای شمالی بسبت جهان
میفرستند باین تفصیل نوشته اند ده فروند کشتی حبس
ده فروند کشتی بجهت بردن آذوقه و سه هزار نفر قشون
و کشتیان و درین روزها از سینکی دنیای شمالی روانه
میشوند

در شهرهای دگرگ و کلی و بعضی جاها در دهن رود خا
در مملکت فرانسه توپهای سنگین وزن و بزرگ فرستاده
که در باستیان و سنگرهای کنار دریا یکبارند که آنجا
سخت نمایند
اعلانات

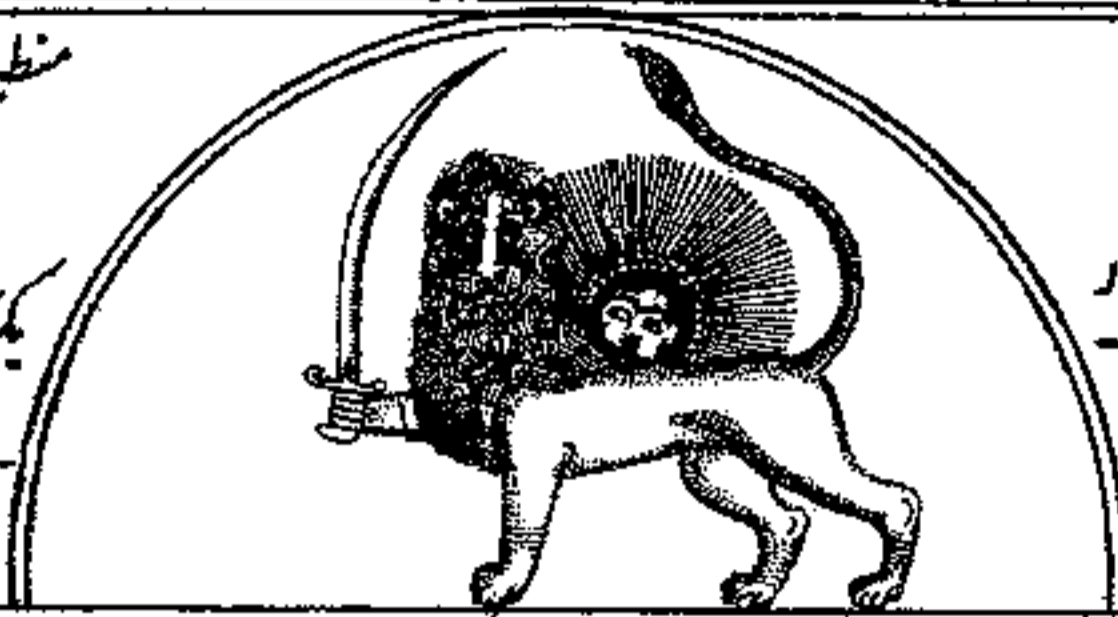
کتابهای چاپی دار اسخلاق طهران که در کارخانه حاجی عبد
باسمهی در محله نزدیک دروازه دولاب لطباع شده
از اینقرار فروخته میشود

سما عالم جلد چهارم رسم سجار الانوار تومان دو هزار و پانصد
مجموع البیان شش تومان
تفسیر امام حسن عسکری یک تومان
شاهنامه چهار تومان و نیم
خمت نظامی نه هزار دینار
دستان یک تومان
کلیات شش هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه پنجم ماه جمادی الاول مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۹

شماره صد و دوم

قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاپرک
هفتاد و چهار روز



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر یک هزار
پنجاه و شش

اخبار و احداث ممالک سر و نه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه پنجم این ماه یک ساعت از اوقات گذشت
کل افواج و صاحب منصبان در میدان مشق حاضر شده بود
تا ساعت از اوقات گذشته اعلیحضرت پادشاهی
سوار شدند اول بمیان نظام تشریف فرما گردیدند و تا نیم
ساعت بسوق افواج تماشا فرمودند و بعد از آن موکب کتیب
سجده تفریح بطرف قصر قاجار عزیمت فرموده تا نزد یک عریض
اقتاب مبارک مبارک سلطانی و مقرر سلطنت عظمی فرمودند

اعلی زین و آرایش گرفت و جناب جلالت بآ صدراعظم
دولت علیه را در آن ایام تمام توجه کلام ملوکانه مخاطب و مخصوص
و بعد از خطابات مرحمت آمیز که باعث امیدواری و سرافراز
عموم جا کران و خدمتگذاران دولت بود از مقدمه سفر سلطنت
و موجبات حرکت موکب مسعود که از جمله خوبی مواد و وسعت قضا
و فرادانی آذوقه و علوفه آن مکان بود بیان و اعلان فرمودند
و در طی این فرمایشات بناسبت مقام شرفیاه بیابون
مخصوصاً مقرر داشته که بعضی اراجیف و سخنان بی اخذ
و داعی که منش آنها فقط حیالات و طبایع عوام است
تا بیون رسید که بجز تفریح و سیاحت و رسیدگی است
امور افواج حاضرین رکاب مقصودی هم در نظر اندیش
ما بوده باشد و حال اینکه مراسم اتحاد و یکپارگی با کل دول
دست سبجو در اعلی مدارج کمال است و روابط یکسانی
دولت علیه عثمانی که بجهت جامعه اسلامیه و معاهدات موافقه
سمت اختصاص دارد همسوار مقتضی است که نظم عد و در
علیهین اسلامین را با تسویه منظر نظرموت است از فرمانیه
بعد از ظهور این نوع فقرات اتحاد آمیز که شرف بیابون ما جایز

۶۶۱

شد احدی بر آنچه عوام الناس و سرحد نشینان و دولتین با
 راه جناب باقی نخواهند و سرحد نشینان و سرحد داران کافران
 بو طایف معاهدت و دولتین غلبتین خواهند پرداخت و حکم
 صریح فرمودند که اگر مجدداً اراجبندی مذکور شود یا حرکتی بر خلاف
 منظور از احدی اتفاق افتد در ملک بسیار خواهد شد
 و هم در روز مزبور چهار ساعت بعزوب آفتاب با نذره علیحضرت
 پادشاهی سیاحت لال زار شریف فرما کردید و بعد از آن فرج
 سیاحت باغ مزبور نزدیک بعزوب آفتاب بارک سلطان
 مراجعت فرمودند
 چون در بدو سینه ایامی که در ازومی ناخوشی و با حادثه شده بود
 جمعی کثیر ازین ناخوشی نمیشد و در پیشانی بسیار باالی اخباری
 داده بود لکن محض رحمت کلام و عنایت شاه طوکانه مبلغ چهار هزار
 تومان نقد و مقدار دست خرد اجرت حسن با مالی آنجا تحقیق محنت
 دعای شد
 جناب جلالت آفتاب مولود شریف المصطفی مخصوص دوزیر مختار
 از جانب دولت بینه انگلیس از دار الخلافه طهران چنانچه در روز
 هفتم گذشته نوشته شد روانه ولایت انگلیس بودند چون
 مزاجشان کسری داشت از امنای دولت علیه خواست نمودند
 که عالیجاه حکیم نولاک معلم مشفق بدرسه دار الفنون تا تبریز
 بسرا راه ایشان اولیای دولت علیه بفرستند از خواهش ایشان
 حکیم مزبور راه مسرا نمودند و معترض شد که تا وقت مزاجت او
 مشغولین در سهای گذشته بایکدیگه کراحتی نمانند
 چون عالیجاه ابراهیم خان لوزی سرکنگ فرج فرودین سالیان
 که در خدمت دیوان خاصه در فرات هر شان صدر خدات

۶۶۲

نمایان شده و مراتب حسن خدمت و شایستگی و خلوص عقیده
 او مسواره در پیشگاه حضور مسایون اعلیحضرت پادشاهی
 معلوم و مشهود افتاده بنا بران این اوقات عالیجاه پیش از این
 حسب الاشارة العلیه منصب تیرسی فرج بر خوار و تیرسین
 فریدین اصفهان سر او از فرموده و فرمان مرلغان مبارک
 شرف صد و بیافته یک شب چه کرمانی اعلی نیز خلعت و رحمت
 رحمت و عنایت گردید
 عالیجاه عباسقلی خان در این روز صاحب الاشارة العلیه
 منصب تیرسی فرج دیغان و پشت کوه سر او از فرموده و در
 ازای منصب مزبور یک شب چه کرمانی خلعت با رحمت
 التفات فرمودند
 عالیجاه امان الله خان سر کرده مسواره و کور لوجون در
 فارس مصدر خدمات نمایان گردیده و خدمات او قبول
 و ستحسن خاطر طوکانه افتاده بود لکن درین اوقات یکطرفه
 شال ترمه و یک ثوب قباوی زری خلعت با رحمت گردید
 سایر ولایات
 آذربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری نبود که
 در روزنامه نوشته شود
 دار المرز
 ما ز ندران از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بود
 در عشر اول شهر جمادی الاول در آنجا بارندگی زیاد شده
 بقستی که کوهستانها سیلابی آنجا جمیعاً از برف و باران زیاد
 آمده است باید دار شده و از رودخانه های آنجا سبیل آمده
 و آب بسیارهای منازل آنجا طغیان کرده و برای زارعین
 ازین رکذ رکال رفاه و آسودگی حاصل است و امید دارند

۸

که در سال آینده حاصل زراعت آن بسیار خوب بود

دیگر از قراریکه نوشته بودند نواب هزاره و الا تبار مصطفی

حکمران مازندران در آبادی ولایت خاصه در آبادستان

دات خالصه دیوانی کمال اهتمام دارند در عایالی که در

سنوات سابقه از دات خالصه تفریق شده بجای دیگر

رفته بودند همه را قدغن کرده اند که آنگاه در خالصه جات

انجام مشغول عیشتی و زراعت باشند و در محل زراعت

قدیمی خود زراعت کنند که روز بروز خالصه جات بآباد

آباد و معمور شود و هم چنین در امر شکر ریزی مازندران

کمال اهتمام را دارند که این اوقات شکر مازندران را

مثل شکر لاهور درست مینمایند و از کارخانه شکر ریزی

در هر ماهی هزار من شکر به از اختلاف طهران حمل و نقل میشود

در این ماه ده هزار شکر آنجا را به از اختلاف آورده اند و آنجا

و اصناف بطور غایت خریداری نمودند

کینلان

از قراریکه در روزنامه انزلی نوشته بودند خانه کرمانی حاج

کام انزلی بچی آتش گرفته بوده و باد هم بدست میوزید

نوکری ساخلی انزلی در عایالی آنجا خبردار شده و آتش را

خاموش کرده بودند و نگذاشته بودند که بجانهای اطراف

سرایت نماید و بجز یک خانه جای دیگر سوخت بود

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند چهار نفر عم

بیرون رفتند و در جنگل سبزی ناکاه بر آنها حمله آورده و یک

گرفته و بر زمین رزده است آن سه نفر دیگر بر سر او ریخته و با چوب

و قد اذی تفنگ بر رازده اندامان شخص را ز کرده است

بشهر آورده اند و یکدش محبوب است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شد بود از اتهامات

اولیای دولت قاهره امر آنجا قرین کمال نظم و انضباط است

و هر روز از هر طرف قافلہ زیاد وارد مشهد میگردند

از جمله نوشته بودند که بکر و ز دولت بارشتر از خجوق وارد

ارض اندکس شده بود و بار آنها چرم و متعلقات و پوست

کلاه بوده است همه را در ارض اندکس کشوده و بصرف

رسانیده اند دیگر نوشته بودند که امسال در آنجا بارندگی

نشده بود و مردم بجهت نیامدن باران فی الجمله توشی دادند

اماد حیدر که حکمرانستان بارندگی زیاد شده است

و اضطراب و توشی که برای مردم از ظن بارندگی حاصل

بود رفع شده است

فارس

درین هفته ازین ولایت نیز اخباری نبود که در روزنامه

عراق

سنندج کردستان از قراریکه در روزنامه

این ولایت نوشته بودند آقا حسین نامی از اهل سنندج

صاحب سالم و تندرست بوده که بهیچ وجه من الوجوه در

آنها مریضی نبوده بجان خود رفته است و بعضی رسیدن

سجاده نشستن بر او افتاده و جان بجان او فرین تسلیم نموده

دیگر نوشته بودند که در آنولایت این روزها کمال فراوانی و

ارزانی است و نهایت اغیث از برای امالی آنجا حاصل است

اصفهان

از فرار یک در روز نامه اصفهان نوشته بودند سر باران
 و ما و تیری و قیر و ز کوبی و فوج جدید اصفهان هر روز اول
 صبح در میدان نقش جهان مشغول مشق هستند و عصر با هم
 افواج مزبور مشغول مشق هستند و کمتری خلاف قاعده و حیاط
 از آنها صادر و ناشی می شود و اگر بر سبیل مذرت امر خلافت
 قاعده از آنها بطور سه یا ایجا چه چرخ غصلی خان نایب اسکوه
 اصفهان بمقام رفع آن بر می آید از جمله نوشته بودند این اوقات
 در میان چند نفر از سر باران جرقه فوج جدید اصفهان
 اتفاق افتاده بود عالیجاه شاره الیه بعد از استحضار برین
 ائمه اتمیه نظامی کرده بود که بعد ازین باید یک مصدر ترلع
 شوند

و یک نوشته بودند که این اوقات کمال فراوانی و ارزانی بود
 نعمت در اصفهان حاصل است و از پانزدهم ماه ربيع
 الی چهارم جمادی الاوّل بارندگی خوب در آن اوقات
 سه برف میوف و بجا آمد و تشویشی که برای صاحبان
 اطاک و زراعت کاران از قلت بارندگی و خشک سالی
 حاصل بود رفع گردیده و بسبب این بارندگیها امیدواری
 کلی بخواب آمدن حاصل بسم رسانده اند و این اوقات
 نیز هوای آنجا در نهایت خوبی و اعتدال میباشد

دیگر نوشته بودند که در بیت هشتم ماه ربيع الثانی
 عالیجاه نایب اسکوه اصفهان نسبت چال سیاه بشکار
 بود و چون در چال سیاه آبادی درستی نبود باین جهت
 مسافری و مترودین میگذشت بلکه اکثر اوقات مال

در معرض تلف بود عالیجاه شاره الیه تخواهی داده است
 که در آنجا آبادی کنند و قفاتی جدید احداث نمایند که از باران
 عابرین و مترودین آسودگی حاصل شود و حال مشغول آبادی
 آنجا بسیار است و عالیجاه شاره الیه بیت نفع غلام در آنجا
 و اول گذاشته است که مشغول حفظ و حراست عابرین
 باشند که از دزدان آسبی آنها رسیده صحیح و سالم آنجا
 عبور و مرور نمایند

دیگر در روز نامه اصفهان نوشته بودند که میرزا عبدالمجید
 نظم ابرقوه و اخذ مالیات آنجا مامور شده بود و در بیت هشتم
 ماه ربيع الثانی روانه شده و باده دوازده نفر از قصبه
 گذشته بمقصد میرفته است تاگاه علی القله پلنگی از میان آن
 برخاسته حمله شاره الیه آورده و باروی او را گرفته و
 پیش آمده اند که میرزا عبدالمجید مستخلص نمایند پلنگ او را کرده
 و یک نفر از آنها را گرفته زخمی نموده و دو باره بمیرزا عبدالمجید
 در او تخته است بالاخره غلامان که همراه بوده اند پلنگ را
 به تفنگ شمشیر کشته اند و میرزا عبدالمجید را با دو خنجر
 با آن یک نفر دیگر که آنها زخمی شده بود هر دو را قصبه
 قیسه آورده و با الفل مشغول مداوا و معالجه چشم آنها میباشند

دیگر نوشته بودند که یک نفر از اهل محله تو اسکان شیخی جناب امام حسین علیه السلام
 در خواب دیده و عرض نموده بود که بعضی از شیعیان از روی زیارت جناب
 سید الشهدا را دارند و استطاعت ندارند فرموده بودند که هر کس از شیعیان
 که سابق زیارت ما باشد امام او بشمارد و پدر او را از اولاد فرزندان علی علیه السلام
 زیارت نماید زیارت او مقبول است حال هر دم دست و دست زیارت
 آنجا میروند و این امامزاده در خارج در راه بغاصه یک میدان واقع است

یزد

از قراریکه در روزنامه دارالجهاد یزد که در هفته گذشته
 نوشته بودند این اوقات امر آنجا از اتهامات ویلای ^{لست قاهر}
 بیس از پیش تنظیم است و نهایت امانت در آن ولایت
 حاصل است و اگر بر سبیل ندرت کسی مصد ^{عده} خلاف
 بشود عالیجاه میرزا مطلب نایب الحکومه بمقام رفع آن بر می آید
 از جمله نوشته بودند جنون نام کن بندر آباد زنی ^{بمنطقه} داشته
 نموده و از او طفل صغیری باقی بوده بعد از آن زنی دیگر عقیده
 و این زن ثانی روزی آن طفل را با او طاقی برده پارچه سیلی با
 گذاشته اعضای آن طفل را داغ کرده بود عالیجاه نایب الحکومه
 از کیفیت مطلع شده آن زن را با شوهرش بمحضرت کی ^{بمنطقه} از سجده
 فرستاده بود که هر چه حکم شرع مطاع است جاری سازد
 بعد از حضور بمحضرت حکم بدیده شده و عالیجاه میرزا مطلب ^{بمنطقه}
 آن طفل را گرفته باورش رسانده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات ^{بمنطقه} نفر محسن بطیب
 عالیجاه میرزا مطلب ^{بمنطقه} گفته بودند که شوق داخل شدن
 اسلام داریم عالیجاه مشایخ را نیز آنها را نیز علمای آنجا
 فرستاده بود در حضور علمای اعلام او را شهادت نموده
 بشرف اسلام شرف شده بودند ^{بمنطقه}

دیگر نوشته بودند که امیر الامراء العظام مقرب ^{بمنطقه} آنجا قان محمد
 سردار حکمران یزد و کرمان مستحکم توقف در یزد فرار داده
 بودند که ضریح مقدس امامزاده فاضل را تا نماز فواد ^{بمنطقه}
 نصب کنند عالیجاه میرزا مطلب درین روزها مرقب ^{بمنطقه}
 آن است که با تمام رسانده بدو ^{بمنطقه}

کرمان

ازین ولایت درین هفته اخباری نبود که در روزنامه
 شود کمال انتظام و امانت برای عموم رعایای آنجا حاصل
 خاصه برای عابرین و مسرودین که از طرق و شوارعی که سابق
 مخوف بود حال با نهایت اطمینان عبور و مرور می نمایند

کرمانشاه

از قراریکه در روزنامه کرمانشاه آن نوشته بودند
 عماد الدوله حکمران کرمانشاه در روز نوزدهم
 ربیع الثانی با افواج کرمانشاهانی وارد جلگه ^{سابق} زنگنه
 شده و در سر بل زباب اردو زده اند و جمیع افواج
 هر روزه مشغول مشن میباشند و اردوی آنجا در کمال
 انتظام میباشد بطوریکه در اردوی که بعد از هفت ^{بمنطقه}
 نفر از سر باز و سواره و توپچی و ایلات متوقف کرمانشاه
 هستند ابد از احدی صد ابرون نمی آید سهل است نوشته
 بودند که یک نفر قاطرچی خود نواب شهباده عماد الدوله
 یک کاس است بجنف از شخص کردی گرفته خورده بودند
 نواب شهباده عرض شده آن قاطرچی را فرستاده
 بود آورده بودند حکم کرده بود کوشش او را در ب
 کار و انسر اکو سیده بودند و تا دور روز به منظور ماند
 بود و بعد از آن دیگر احدی با رای خلاف حساب ^{بمنطقه}
 و غیره مذکوره است و در کمال نظام مشغول ^{بمنطقه}

امر آنجا بوده

سایر مالک محروسه پادشاهی بجهت الله همه جا
 و آرام و قرین انضباط و انتظام است و رعایا و برابرا
 مرده بحال مشغول در کونی دوم دولت ^{بمنطقه}

اخبار دول خارج

انگلیس کا قذآخرا کہ از لہ ن رسید بتایخ روز دوشنبہ ہفتم ربیع الثانی بود و در روزنامه نوشته بودند کہ لارڈ جان رسل کہ سابقاً وزیر اعظم مملکت انگلیس بود درین ایام آخر روز دول خارجہ انولایت شدہ بود از پادشاہ خواہش مستعفا کردہ است و لارڈ کلارکین بجای او وزیر دول خارجہ کردہ است بعضی میگویند چون لارڈ جان رسل مریض بود و ضعف ملاحظہ طاقت تحمل وزارت نہ داشت از آن جهت زمین منصب رست کشید و خواہش کرد کہ چند وقت برو بادرخانہ خود بماند پس استیجابہای خوش آید و ہوا بگند کہ سبب تغییر آب و ہوا بحال بیاید و بعضی میگویند کہ باز داخل وزرا خواہد شد و در مشورت دکیل رعایا بزرگ دستہ وزرا خواہد کردید

استریہ

چونکہ امپراطور استریہ موافق قاعدہ ارتنی پادشاہ چند ممالک بود و این ممالک ہر یکی یک نشان داشت از خطہ نشان خود استریہ شکل عجاب بود و لکن نشان بعضی از ممالک دیگر چیزهای دیگر بود تا بحال این نشانہا در روی بندوق و پول و غیرہ دولتی ہر یک ترکیب ولایت خودش جدا بود حال بنا دارند کہ از ہر ولایتی نشان با ہم جمع نمودہ در بید قبا و مہر و عمارت سلطانی بہین طرز نشان کشیدہ شود

سنکی دنیای شمالی

از شہر نیویارک سنکی دنیای شمالی نوشته اند کہ قشون فرانسیہ کہ بمملکت نکسورفہ بودند از اہل اندولت نکسورفہ ولایت بودند کہ دست بند و ایمان بخوانند با شہرین روزنامہ تقصیر این جنگ را در چنگ از روزگاری سنکی دنیای شمالی

ندیدہ اند کہ انچہ مختصر نوشتہ اند کہ زخمہ شدہ است احوالات متفرقہ

در ولایت انگلیس بحکمت زلزله سخت ندیدہ است و در تواریخ نیز نوشتہ اند کہ در آن ولایت زلزله شدہ باشد لیکن درین روز ما در سمت شمال ولایت انگلیس و ایرلند زلزله شدہ است باینطور کہ ضرر و چینی و غیرہ کہ در طاقچہا بودہ بہم خوردہ و بعضی افتادہ و سگتہ اند اما خبری در خانہ نشانی

دریای بالتیک از واریکہ در روزنامہ نوشتہ بودند در فضل بان چنان بیخ بستہ بود کہ کمان میگردند تا فضل بہا بیخ آویز شود و تردد کشتی مشکل باشد چونکہ اہل آن صفحات گذران از تجارت است خصوصہ در دریای باستن بیخ در آنجا ضرر زیاد با اہل ان مملکت می آید

ما بین مملکتیں فرانسہ و سویس کو ہی سخت است کہ سنت بنا مینامند و در بالای این کوہ بعضی از کیشہا از ملت کہ تو یک صیوی کلیسا دارند و دایم الاوقات در آنجا مقیم اند و چونکہ راہ عبور مملکت ازین کوہ است بسیار اتفاق می افتد کہ مردم برف و باد دم ماندہ را ہر اکم می کنند کیشہای بزرگ و کمان بزرگ دارند مانند سکھای چو پانی این ولایت و آنہا را ہم دادہ اند کہ وقتی کہ برف و بوزان سخت است و بیرون رفتن مشکل است این سکھا را بیرون می کنند و در گردن ہر یک سببی می آویزند و در میانش نان و گوشت و کبک شہ عرق میکذارند و این سکھا در اطراف کوہ و دشت آنجا گردش مینمایند اگر کسی را پیداکردند کہ راہ را کم کردہ و لیکن قوہ و شعور حرکت وارد از آن نان و گوشت و عرق خوردہ بحال می آید و

جلو افتاده بدت می کند و اورا بگلیا می رساند و اگر سر ما
 آن شخص را از کار برده و بی حس و بی شعور نموده است سکها
 چنان تعلیم داده اند که سبعت مراجعت بگلیت نموده و
 خبر میکنند و کشتیان بیرون آمده بر استانی سکها میر
 و آن شخص را بر داشته بگلیت می آورند در هر ایامی مادرشان
 عزت محبت بسیار بگلیت می نور کرده اند و دولت هر
 که بود است پادشاهی یا جمهوری کسی با آنها اذیت کرده
 زیرا که کار آنها را عمل ثواب میدانند و درین روزها در
 نوشته اند که اهل دولتین فرشته و سیوس بناد از
 ریز که مزبور را سوار می کنند که رود مردم از راه ریز که
 و کشتیان مزبور اگر ایستاده باشند در زمین راه آن زبر
 بیمار خانه همه خلق خواهند خفت

چونکه زده مردم باین فرنگستان و یکی دنیای شمالی
 روز بروز بیشتر میشود بعضی از تجارت در لندن و نیویارک
 و کانادا و سایر دولتند آن اولایات نخواه جمع می کنند
 که کشتیهای تازه که بچرخ بخارج حرکت می کند از انگلیس تا یکی
 شمالی راه بندازند که ششمین سیاح باشد و بارهای
 نیز حمل و نقل نماید
 در مملکت ایتالیا نوشته اند که از کوه سوزنده آتیه که در جزیره
 سیتیلیا پیا باز درین روزها آتش چنان زیاد بیرون
 آمده بود

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده بود که نری سینگ
 که ادعای تاج و تخت و سلطنت فرانس را می کند در
 اسپرالمور شدن لویی ناپلیان کاغذ نوشته بود و خلق را
 از قبول کردن سلطنت لویی ناپلیان مانعت کرده بود

روزنامه نوشته نوشته بودند که ازین کاغذ بسیار در
 ممالک هندستان منتشر کرده است
 از مملکت مصر نوشته اند که در آخر پانزده آب رود نیل بسیار
 کشیده شده و کم گردیده بود و فصلش بان مرتبه که باید بالا
 بیاید نیاید بود بلکه بکسریع و نیم از متعارفی سالهای دیگر
 کمتر بالا آمده بود از آنجهت بعضی جاها و زمینهای مصر را دست
 آب گرفته بود و مکان داشتند که حاصل سال مصر کم بیاید
 خصوص حاصل گندم که امسال آنقدر بخل نمی آید که زیادوی آن
 بخارج برود

دولت سینگ وارث همه راجه بچند سینگ راجه
 و پنجاب که بعد از آنکه انگلیسها مملکت پنجاب را گرفتند
 در هندوستان مجبوس نظر بود میگویند درین روزها

عسوی در آمد است
 در مملکت استراليا با وجود اینکه آنقدر پول طلا از معدن استراليا
 در آورده اند و در داد و ستد مردم قدری افزایش بهم
 رسیده است زیرا که پول سکوک نداشتند حال دیوان
 بانجا عیاجات فرستاده اند که صاف بیغش بودن طلا را
 امتحان کنند و هر نایند همان طلای شمش بر کرده در
 خلق بقیمت معتبر رواج باشد و گذشته از آنهم پول سکوک
 از ولایت انگلیس زیاد بانجا آورده اند اما باز کسی نمی کشیدند
 بچه اینکه پول سیاه در آنجا بسیار کم بود

چهار هزار قشون فرانس را کشتی بیرون آمده بودند در
 ایتالیا که برود بشهر روم و داخل قشون ساخوی آن مملکت
 بریش روم بونه پارت برادر ناپلیان بزرگ درین فصل

۶۶۷

پانزدهم و شش سال تمام بود

بنادارند در راه این مابین پاریس پای تخت فرانسه و
دویته پای تخت آستریه کالک بخارتیر و راه پندازند که از

پای تخت آستریه تا پای تخت فرانسه در دو شبانه روز
برود

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که عروس ای پرا
فرانسه را بنا بر پنجشنبه نوزدهم ربيع الثانی خواهد کرد

شخصی از اهل فرانسه کتابی نوشته و چاپ کرده است
اسم کتابش را ناپلیان کوچک گذاشته است چونکه ناپلیان

اول در میان فرانسه ناپلیان لغزاند لقب داشت یعنی ناپلیان
اعظم و این کتاب ضرب لوی ناپلیان است ستمش را

ناپلیان کوچک گذاشته است و این کتاب را چون در
مملکت فرانسه نمی توانست چاپ بزند از ترس مواخذه و سزا

دولت در مالک اطراف چاپ زده است خصوصه
نیت و در بعضی جاها دولت منع شده و نگذاشته است

و لکن ازین کتاب در میان خلق بسیار منتشر شده است
چند و پیش ازین در جزیره مغلوبه که یکی از مفت جزایر

یونان است که در زیر حمایت دولت انگلیس میباشد
افتشاش و یا عنکبری در میان خلق بود درین روزها

از مقصرین آنجا هفت نفر تخلص کرده و چهار نفر اخراج بلد
و سبتان

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که وارث و و بعد
ناج و تخت مملکت پروسیه یکی از شاهزاده خانمهای آ

نامزد خود کرده است بنادار این روز عروسی با

گشتبهای جنگی فرانسه که در شهر تولان لنگر انداخته بود
و حاضر سفر و حرکت بودند درین روزها حکم آمده بود که

حرکت نمایند و بدریا بروند
حساب کرده اند که در نه ماه سال گذشته چهار هزار و

یکصد و هجده نفر غلام کهنر سیاه بجزیره کوه آورده فرود
با این که چنین تجارت خلاف عهد است که دولت

ایتالیای تول بادول دیگر دارند
راه مابین شهر ناپولی و شهر ژنوا چنان شده است که تردد

در آنجا بسیار خوف و خطر دارد بسبب اینکه دزدان
بطوری جبرور شده اند که مردم را میکشد یا برهنه میکنند

یا نگاه میدارند تا اقوام او هر قدر پول که دزدان خواسته
بدهند و او را خلاص نمایند
اعلامات

کتابهای چاپی طهران که در دارالطبایع حاجی عبدالمجید
در محله نزدیک دروازه دولت طبایع گردیده از آنجا

فروخته میشود
سما عالم جلد چهارم بحار الانوار سه تومان و دویست و پنجاه

مجموع البیان شش تومان
تفسیر امام حسن عسکری یک تومان

شاهنامه چهار تومان و نیم
تخم نظامی نه هزار و سیار

دستبان یک تومان
کلیات شهر اردبیل

تعبیر نامه چهار و سیار
قاموس دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه ۱۳۰۹ ماه جمادی فی مطابق اوایل سال سیچان میل

مرکز صد و نهم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
چهار شماره در یک ماه



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجاره سطر یکدوازده
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک روسیه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دویم این ماه اعلیحضرت پادشاهی عز
فرمودند که بقصر قاجار تشریف برده چند روز در آنجا بوقت
زمانید اول نسبت دو شان تپه که عمارت تازه ساخته
در آنجا ساخته شده است تشریف فرما گردید و عمارت
مزبور را تماشا فرمودند و نهار را در آنجا صرف نمودند و چون
این عمارت را تازمه در روی تپه مزبور ساخته اند و در ساختن
آن مفرق انجاقان حاجی علیخان حاجب الدوله کمال استقامت
نموده است باینکه زیستان و پنج بنیان کار بنانی مشکل بود
عمارت مزبور را بطرح خوب و مستحکم با تمام رسانده است
خدمات او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده از راه التفات
کامل بکثرت کلیه طبوس بن مبارک را بمقرب انجاقان مشارک
مرحمت فرمودند و از آنجا موکب بایون نسبت قصر قاجار حرکت
فرموده و در نزد یک قصر قاجار کل قشون متوقف دارالخلافه
از توپچی و افواج قاهره و سواره نظام حاضر شده بودند و در
حضور بایون مشق حرکت نمودند و مشق و حرکت آنها زیاد بود
و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده او لایک ثوب کلیه طبوس بن مبارک

بامیر الامرا العظام اجدان باشی مرحمت نموده و بجزیه
تغریب اختصاص دادند و بعد از آن چون معتدین جنگی در مشق
و حرکت افواج اهتمام نموده و قشون مشق و حرکت را خوب
بانتها تعلیم کرده بودند بکلیت و شال ترمه کشمیری بجای
قولونل مطرات سو معلم کل و کپلا و شال ترمه کشمیری نیز
یک کریش صاحب معلم تو چخانه و یک رسل اسب استقامت
خاصه بجایگاه نیز صاحب معلم سواره نظام مرحمت فرمودند
و جایگاه نیز صاحب یک دست زین و براق که سببه نمونه از برای
سواره نظام ساخته بود کجور مبارک آورده ملاحظه و دیده
فرمودند و سواره نظام که بلباس سبزه و کلاه برنجی
که در همان روز بانها داده شده بود طبس گردیده بودند
بسیار باشکوه و از استکی تمام بظرف آمد مورد تحسین
گردیدند

در سوم خنین در روز شنبه چهارم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی نظر بطور و فوراً حسم ملوکانه که در حق جناب
مجدت و جلالت نصاب صدر اعظم دارند بیاباغ دادند
که مال جناب معظم الیه است و عمارت جدید با صفا در آنجا

۶۶۹

ساخته اند شریف فرما کرد بدند و لوازم پیکش و پای اندر
و قربانی صنایع تقدیم و تدارک شده تا وقت عصر در
شریف داشتند و وقت عصر از آنجا جهت عصر تا جا
فرمودند

در روز یکشنبه در چهارم که است جناب حلال تا صدر
و جناب نظام الملک و امیر الامرا بطعام اجودان باشی اجمعی
امر و صاحب منصبان برک نظام کاغذی جمع صنایع که بر
امر مایون مغرب سخاقان غیر الممالک از ارباب صنایع دایر بوده
رفتند و بکار و صنعتها نیک ازین تربیت این دولت قوی
رونق در وراج یافته ملاحظه و رسیدگی نمودند اول بکارخانه کاج
سازی که بیابان است عالیجاه محمد علی پیک کاسکهای خوب
ساخته می شود فرستند و مشارالیه از اینکه در کار کاسک سازی
به تمام نموده و درین سال دو ازرده دستگاه کاسک برای دیوان
اعلی و سایر اعاظم و خوانین ساخته بود مورد تحسین و توارس کرده
بعد از آن جناب معظمت بکارخانه جمع صنایع توجه نمودند و کاسک
و صنعتی یک صنعت کاران را جدا جدا بر وجههای آنها ملاحظه
کردند و در حجره خواجا احمد ساعت سازانته جای و شیرینی
نمودند و حسن صنایع مشارالیه در نظر جناب صدارت عظمی و لایحه
دولت علیه بسیار پسندید و مستحق افتاده مبلغ یکصد تومان
موجب او افزودند و درین کارخانه اغلب صنایع از قبیل ساعت
و آپالیتا سازی که نشان و دوش صاحب منصبان نظام
وزر و وزی بلوس نظام و بریدن و دوختن آن و لایحه سازی
عمل چین که زر کشی و زر و وزی مخصوص مناسی است و تقاضا
خوب متاز و تفنگ سازی و چکان سازی و قداره سازی بسیار
خوب رونق گرفته و از حسن تربیت این دولت علیه و استام

۶۷۰

مغرب سخاقان معبر الممالک تمامی این صنایع بطور مستیاز ساخته
میشود و چون از دولت علیه و اخلاص صنعت هر یک ازین صنایع
انعام و انکفات مبدول شده و میشود و مورد تحسین و توفیق
سیکروز ابدت که ترقیات کلی برای آنها حاصل گردید

صنایع خوب درین دولت علیه رونق در وراج یافته
چون بعضی از تجار و رعیت دولت ابدت علیه از راه
مال التجاره خود را باسم رعایای دولت متخا به از کمرگ عزیز
جواز گرفته حمل و نقل و لایات محروسه می کنند و این
باعث خمت و گفتگو فیابین اولیای شوکت علیه و سفر
دول متخا به نموده و بعد بحسب امر اعلیحضرت شاهای
که اگر من بعد کسی از تجار و رعیت دولت علیه اینگونه
قاعده و قلب را در یک شده مال التجاره خود را باسم
رعایای دولت متخا به جواز بگیرد مورد سپاست و زجران دیوان

اعلی خواهد شد
امورات قشونی

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته اند است کل
قاہرہ قلمزین کار بضر انتساب سپایون از توپخانه مبارک
و افواج قاہرہ همه روزه در میدان مشق حاضر و بعد از وقت
از مشق در مدرسه دارالفنون تا دو ساعت تحصیل علم
چنگ مشغول میباشند و در روز یکشنبه بیت و پنجم
جمادی الاول اعلیحضرت پادشاهی محض انکفات ساعت
بگذراندند برای امتحان متعلمین مدرسه دارالفنون تشریف
نمودند و عالیجاه قزوین مطران معتمد کل در حضور سپایون
حسب الامر الامرا متعلمین مدرسه تحقیق درس آنها را کرد
اغلب آنها بطور اتم و حسن از عمده عرض و ادای آن برآوردند

وزاید الوصف در خاک پای مایون بقول مستحسن افتاد
مورد نوازشات ملوکا نشسته در اندک زمانی که مشغول
تخصیص هستند تزیینات کلی برای آنها حاصل شده و آن
خواهد کثیره از اینگونه مراقبت و اهتمام و کلای و تعلیم
که در تعلیم و تشویق آنها دارند عاید شوکت قاهره خواهد

چون رای جهان آرای ملوکا زبان عساکر ظاهر مغربین
رکاب سبایون قرار یافته بود لهند در روز سه شنبه
ماه جمادی الاول امیر الامراء العظام اجودان باشی
شکر نوبس باشی و امین شکر و سار شکر زبان عظام
در میدان مشق حاضر شد تا ازین قرار سان آنها را دیدند

پوچیان فوج اول خاصه بر فوج سازدهم فوج جدید
فوج جدید ریل فوج قدیم قدسی فوج جدید در فوج قدیم
فوج جدید فوج سوادکوی فوج قدسی تعلیمی کابالی

و موافق بر آنکه هر روزه چهره میگردید یک نفر تکلف شد

چون عالیجاه مغرب الحضرة انخافانیه اسکندر خان باب
اول امیر الامراء العظام اجودان باشی در خدمات متعلقه خود کمال
استقامت و جد و جهد و جانفشانی دارد و خاطر خطیر مایون
پادشاهی از حسن خدمت و صدق ارادت او راضی و خوشنود
گشته است لهذا محض حصول افتخار و سرزندی او یک سوار
سواری از اصطلب مبارک با و حجت فرمود

اجبار شهر
درین او خاک رز یک عید نوروز است عموم حشوق تبارک طرود

عید مشغول اند و اصناف بازار بجهت گردش عید و کاکین
سجرات خود را آرایش و زینت میدهند و بدو سه مشغول
میباشند خاصه دکانهای قنادی و نان کلوچه پزی که شبها
تیز در دکانهای خود مشغول ساختن حلوبات میباشند
و انواع ماکولات و مطومات و حبوبات که در چنین اوقات
تسلیهم میسرند امسال بجهت انگال و نور و از زانی را در

درین روزها حجاج بیت الله محرام را چادون بجانونی که دارند
زیارت اختیار نموند و قانون آنها این است که شبیه محل جناب
ختمی تاج را در کوهها و بازارها میکردند باین تحصیل که در محل
اول طبل بکسج است که نیزند و عقب آنها میدی تبر و عقب آن
سب یک عقب آنها سکار به قاطری خود را اراق پوش نمود

و بعد از آنها چادون و بعد از آنها محل فرود بار و پوش سبز
و بعد از آن کجاوی چند با اطال نوحه خوان ترتیب داده
و حجاج سرشین کلا لیک که بان عقب آنها چند سوار بجهت محافظت

باین ترتیب حجاج را اخبار
سایر ولایات

اور با بجان و دار المرز و فارس درین معده این
اجباری بود خراسان

چون مغرب انخافان سامخان الیمخانی این اوقات از حرا
غزیت بدر بار معدلت و از مایون نموده بود طایفه خانی
ترکمانیه ملاحظه و بسکه سرحد و چان بجهت غیبت
مشاورانیه از نوکر و جمعیت خالی مانده است و مستعد
بان سرحد دست بردی برزند یا اسیری برزند باین
خیالات فاسده که فطری حبسلی این طایفه ضار است

۲۷۱

جمیعتی فرسوده آورده بخمال تاخت و تاز و دست انداز
 بان سرحد است و دوازده اند عالیجاه یزدان و یردی خان
 برادر مقرب انخاقان ایلخانی ازین فتره مطلع گردید جمعی از نوکران
 برده شده بجلو انظار ضاله رفته عرصه را با آنها تنگ نموده و
 جمیعتی از آنها را دسگیر و اسیر نموده و برخی را بفرست
 از پای در آورده و چهل نیزه از زوس منحوس آن طالبان
 ضاله را هم بدر بار معدلت مدار طاوون فرستاده بود از
 پیشگاه حضور معدلت ظهور طاوون گذرانیدند و خدمات
 عالیجاه مشارالیه مقبول و سخن خاطر خطیر طاوون انخاقان
 و از جانب سنی اچوانب اعلیحضرت پادشاهی لازمه نجات
 در باره مشارالیه مبدول افتاده مورخین التفات ملوکا کرده

کرمان

از قراریکه در روزنامه نیم در نامشیر کرمان نوشته بودند
 امر انجاء نسبت سابق کمال انتظام برادر دارد و از جمله چیزهایی
 که در ضمن روزنامه انجاء نوشته شده بود یکی این بود که در
 سروزه که از مزارع زراعت شیر است در خانه که قریب بصدای
 که محل سکنی بوده در نیمه شب صدای غریب عجیبی از یکی
 اطرافهای آنجا بلند شد صاحب خانه همسایگان او بسبب
 آن صد از خواب حسبه بی اختیار بان خانه دویده بودند
 دوازده نفر که برای تحسین صد بان خانه رفته بودند بجز
 اینکه داخل اطاق شده اند بیان چاه افتاده اند بعد از
 روشنائی آورده بودند معلوم شده بود در میان اطراف
 از قدیم چاهی بوده بسبب رطوبات روی چاه باز
 شده پائین رفته و از آن دوازده نفر که چاه افتاده بودند
 صاحب خانه مرده بود و باقی همه صحیح و سالم بیرون آمدند

۶۷۲

چاه چهل ذرع بوده و آب گرم داشته است
 از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر انخاقان
 در کمال انتظام است و امیر الامراء العظام مقرب انخاقان
 محمدرحمت خان سردار حکمران یزد و کرمان در نظام امرویه است
 و تحصیل اسباب غایت و آسودگی رعیت و آبادی اینجا پیوسته
 کمال اهتمام را دارد و از جمله نوشته بودند چون محل سکنی
 سر بازان آنجا خرابی داشته است و از داده است که در باغ
 کاشن هم با خانه خوب بقاعده و ترتیب ساخته شود و با آن
 بنا و عمارت مشغول است که یک بنه انجار را نیز خانه میسازند و
 بنه دیگر را که متصل باغ مذکور است باغ می سازند همچنین
 نوشته بودند که سابقا پول سفید آنجا بسببیکه فقره است
 خالی از غش و عیب خلل نبوده ضرر داشته است و در محال

و داده است چیزی کم میکردند و بان جمله عاری پول سفید
 در آنجا رواج نداشت و در محال برای مردم معطلی حاصل
 بود این روز از مقرب انخاقان مشارالیه قدغن کرده است
 که پول سفید را از فقره خوب خالی از غش در ضرا آنجا سکه
 بزنند و فرار درستی داده است که دیگر در معاملات برای
 مردم معطلی حاصل نشود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه انجاء نوشته شده بود این اوقات که پادشاه
 شاهزاده و الا تبار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان بجهت
 رسیدگی بشن احوال کرمانشاهان در راه بسیارند و از
 امیرزاده بدیع الملک میرزا در غیاب نواب معزی الیه امیر شهر
 کرمانشاهان را عظم منصب بطو لکار داشته است و از راه
 خلاف قاعده و حجابی ناشی و صادر میشود

تخم کبوتر	چهارمین	یکهزار و شصت و نهار	تخم کبوتر	چهارمین	یکهزار و شصت و نهار
تخم کبوتر	چهارمین	دو هزار و سیصد و نهار	تخم کبوتر	چهارمین	دو هزار و سیصد و نهار
تخم کبوتر	یکمین	سخت عباسی	تخم کبوتر	یکمین	سخت عباسی
تخم کبوتر	چهارمین	سخت هزار و پانجاه	تخم کبوتر	چهارمین	سخت هزار و پانجاه
تخم کبوتر	یکمین	روشای	تخم کبوتر	یکمین	روشای
تخم کبوتر	یکمین	تخم مرغ	تخم کبوتر	یکمین	تخم مرغ
تخم کبوتر	چهارمین	یکهزار و نصد	تخم کبوتر	چهارمین	یکهزار و نصد
تخم کبوتر	هفتمین	ردغچراغ یکمین	تخم کبوتر	هفتمین	ردغچراغ یکمین
تخم کبوتر	دو تومان	حلوبات اعلی یکمین	تخم کبوتر	دو تومان	حلوبات اعلی یکمین
تخم کبوتر	بیت و ستم	حلوبات وسط یکمین	تخم کبوتر	بیت و ستم	حلوبات وسط یکمین
تخم کبوتر	بیت و چهار	یکمین	تخم کبوتر	بیت و چهار	یکمین
تخم کبوتر	بیت و چهار	یکمین	تخم کبوتر	بیت و چهار	یکمین
تخم کبوتر	یازده هزار	تنباکوی اعلی چهارمین	تخم کبوتر	یازده هزار	تنباکوی اعلی چهارمین
تخم کبوتر	سیزده هزار	تنباکوی وسط چهارمین	تخم کبوتر	سیزده هزار	تنباکوی وسط چهارمین
تخم کبوتر	دوازده هزار	یکمین	تخم کبوتر	دوازده هزار	یکمین
تخم کبوتر	سه هزار	یکمین	تخم کبوتر	سه هزار	یکمین
تخم کبوتر	دو هزار	یکمین	تخم کبوتر	دو هزار	یکمین
تخم کبوتر	دو هزار	یکمین	تخم کبوتر	دو هزار	یکمین
تخم کبوتر	یکهزار و پانجاه	یکمین	تخم کبوتر	یکهزار و پانجاه	یکمین
تخم کبوتر	یکهزار و نصد	یکمین	تخم کبوتر	یکهزار و نصد	یکمین
تخم کبوتر	دو هزار و سیصد	یکمین	تخم کبوتر	دو هزار و سیصد	یکمین
تخم کبوتر	دو هزار و پانجاه	یکمین	تخم کبوتر	دو هزار و پانجاه	یکمین

۱۷۲

اخبار دول خارجه

روس امپراطور رس که زوجه اعظمه امپراطور
بناد است که در چک کوچک سستان سفر کند اما سفرش تا چند
نات موقوف گردیده است و مکان داشته که درین روزها
روس بشهر وارش و تشریف او و از جانب دولتین
و پرستش امپراطور بشهر مزبور نشاندید چه بسیار کبابی و زودا

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس بای تحت فرانس سید روز نوشته
میت و یکم بیج الشانی بود و اخباری که در روزنامه نوشته بود
در باب عوسی لوی ناپلیان بود و یکی از دخترهای سلطنت خوا
قدیم مملکت اسپانول را عوسی کرده است و در تاریخ مزبور در
کلیتای بزرگ و مطهر پاریس موافق عده نوبت گولیک صوبی
عقد بسته اند و با کمال اساس و جلالی که لایون سلطنت است
عوسی نموده اند و چون که در چنین عروسها در فرنگستان از
طرفین باید که او معین باشد از طرف امپراطور روم ناپلیان و پسر
پرنس ناپلیان که او شده اند و از طرف عروس و وزیر مختار
پادشاه اسپانول و چهار نفر از خوانین آن مملکت که او کرده

احوال مسمومه

دست چند سال میشود که در انگلیس و بعضی از ممالک فرنگستان
در میان سبب منینی آفتی افتاده است و باین سبب بعضی از
آن ممالک که خورشان سبب منینی است تنگی زیاد کشیده
و درین روزنامه نوشته اند که در سال گذشته در جزیره
لندازین آفت باده سبب منینی آفتی ضایع شده است

روز خاندین از فرار یک در روزنامه نوشته اند درین روز

۶۷۴

باز آتش زیاد شده و از جای خود بیرون آمده و مملکت را
در زیر آب برده بود و از فضل بهار سال گذشته تا بحال
این رودخانه چهار بار سیل آمده و شست نموده و مملکت اطراف
زیر آب برده است

درین روزها کشتی جنگی پاشای مصر از ولایت انگلیس روان
شده بود و بسیاری از اسباب آهن و چرخ و غیره بجهت راه
آهن که از مملکت مصری سازند در میان کشتی مزبور بار کرده

بودند که بان مملکت برند

از جانب دولت فرانس حکم شده است که سکر و حصار و
برج و غیره که در کنار دریای سمت مغرب آن مملکت دارند
نابند و در روزنامه نوشته اند که گویا این حکم ازین سبب
که دولت انگلیس قشون سحری کشتیهای جنگی خود را درین روزها
زیاد تر کرده اند

دولت همس که یکی از ممالک کوچک است میباشد از آن
تجار بزرگ چو که در دول فرنگستان اند و آنها را ورشیلند
مینامند که طیان و دولت هزار فلانین قرض گرفته اند که بحساب
پول ایران تخمین نایک که در و صد هزار تومان می شود و این
پول را بنا دارند که منصف بدند از قرض سالی هر صد تومان چهار
تومان و نیم و این وجه را بجهت ساختن راه آهن در آن مملکت
قرض کرده اند

دولت فرانس بسیار اصرار کرده اند که پاپای روم که بزرگ
مملکت کاتولیک عیونیت مملکت فرانس باید که با آنچه عهد است
و عوسی لوی ناپلیان امپراطور فرانس بوده است اما پاپ این
قبول نموده بود

پرنس شارل برادر پادشاه پروتستانت درین روز از انگلستان